



انترناسیونال ۳۹۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

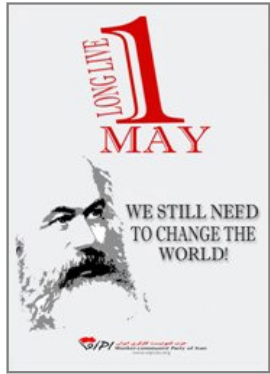
جمعه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲۲ آپریل ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

اول مه، روز قدرتنمائی کارگران علیه جهان درهم ریخته سرمایه داری!

فرارسیدن روز جهانی کارگر را به همه کارگران و مردم آزادیخواه جهان تبریک میگویی

مناطق جهان علیه دیکتاتوریهایی چندین دهساله سرمایه داری در این کشورها پیا میخیزند. امواج انقلاب عظیمی که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را در مینوردد در کنار

صفحه ۲

شکستن بار بحران بدوش کارگران و توده مردم، یکی پس از دیگری اعلام ورشکستگی میکنند و از سوی دیگر توده های میلیونی مردم در یکی از محرومترین و بیحقوقترین

جهان در شرایطی به استقبال اول مه میرود که از یکسو بحران جهانی سرمایه هر روز عمیق تر میشود و دولتهای سرمایه داری در پیشرفته ترین کشورهای صنعتی با تمام تلاششان برای

کشتار ۶۷ و تقلاي بی شرمانه طرفداران موسوی



کاظم نیکخواه

"موسوی و خامنه ای و خمینی از اعدامهای ۶۷ خبر نداشتند!!" این ادعای یکی از قلم زنان طرفدار موسوی و "جنبش سبز" است که نوشته اش در این زمینه این روزها توسط طرفداران موسوی روی سایتهای متعددی گذاشته شده است. این شخص که نامش "فرورتیش کردتیار" است در سایت "جرس" نوشته ای دارد تحت عنوان "میرحسین موسوی هیچ نقشی در کشتارهای سال ۶۷ نداشته است". او در اشاره به گزارشی تحت عنوان "فتوای مرگبار کشتار ۱۹۸۸" مینویسد "در این گزارش در اشاره به میرحسین موسوی گفته شده است که او نخست وزیر جمهوری اسلامی در دوره کشتار ۶۷ بوده است" و ایشان یعنی جناب کردتیار "از این جمله بسیار برافروخته شده است" و این جمله را غیر منصفانه و مغرضانه میخواند و میگوید "این اتهام را کسانی به وی می زنند که رهبرانشان در اعدام شدن اعضای حزب مهمترین نقش را داشتند" و منظور حزب توده است. با خواندن این نوشته انسان از افراط در وقاحت حیرت زده میشود و ارسال این نوشته روی سایتهای متعدد توسط طیفهای مختلف طرفدار "جنبش سبز" و موسوی، نشان میدهد که اینها اولاً بشدت زیر فشار برای پاسخگویی به این جنایت قرار دارند، و مهمتر از آن نشان از این دارد که این طیفها نه فقط از جمهوری اسلامی که از سنتهای پروپاگاندا این حکومت نیز فاصله ای نگرفته اند. واقعا تصورش را بکنید. سران حکومت از جمله خامنه ای و موسوی و حتی تا آنجا که من خبر دارم برای اول بار خمینی،

صفحه ۲

پایان اعتصاب با شکوه کارگران پتروشیمی ماهشهر

و تاکید بر برخی دستاوردهای این مبارزه

سیاسی مهم بود. اعتصابات هزاران نفره کارگران پتروشیمی ماهشهر يك نقطه عطف و يك پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری و همچنین مبارزات کل جامعه بود. اعتصاب هزاران

صفحه ۳

شهلا دانشفر

اعتصابات هزاران نفره کارگران ۹ مجتمع پتروشیمی در ماهشهر با عقب نشینی دولت پایان یافت. این اعتصاب و مبارزه، يك رویداد

دوران حکومت طوایف و دارودسته های مسلح در

کردستان به سر رسیده است

کردستان عراق می گذرد و مردم همچنان با استقامت و روحیه ای بالا برای تحقق خواستههایشان در خیابانها علیه فقر و نابرابری ۲۰ ساله حاکمان

صفحه ۶

عبدل گلپریان
بیش از دو ماه از اعتراض و مبارزه مردم شهرهای کردستان عراق علیه فقر و نابرابری ۲۰ ساله حاکمان

گزارشی از یک جدال با جریانات اسلامی

در فرانکفورت

مینا احدی، صفحه ۱۲

بازتاب هفته

اینترنت حلال و تقلاي بازگشت به عصر حجر

بهرروز مهرآبادی

"فتنه عمیق تر از فتنه ۸۸"

یاشار سهندی

انقلاب مصر و آخرین تحولات

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

ابقای وزیر اطلاعات

و جرعه های یک جنگ تمام عیار

نابسامانی ها و اختلاف نظر در مهمترین ارگان سرکوب نظام خبر داد. بدون شك نگرانی رهبر نظام در از دست دادن کنترل بر وزارت اطلاعات در این بازديد طولانی

صفحه ۷

بهرروز مهرآبادی

حضور ۶ ساعته خامنه ای در وزارت اطلاعات در روز ۱۲ اسفند گذشته اهمیت این نهاد در بقای پایه های حکومت اسلامی و از طرف دیگر بر وجود

صفحات دیگر

در سوریه انقلاب هر روز قدرتمند تر میشود!

محمد شکوهی، صفحه ۱۲

صفحه ویژه اول مه

صفحه ۱۰

صفحه ویژه ۲۲ آپریل روز اعتراض سراسری ...

صفحه ۸

کارگران پتروشیمی های ماهشهر به پیروزی بزرگی دست یافتند

اعتصاب کارگران شرکتی در پالایشگاه آبادان

صفحه ۱۱

حاکمان ناسیونالیست کردستان عراق ...

صفحه ۶

زننده باد کارگران پتروشیمی کرمانشاه

جنايات جمهوری اسلامی در اهواز و ...

صفحه ۴

بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی است!

دانشجویان دانشگاه تهران ...

دانشجویان دانشگاه آزاد ...

صفحه ۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



پیام حمید تقوائی...

مساعدی برای دامن زدن به گفتمان اعتصاب عمومی در میان فعالین جنبشهای اعتراضی و تدارک آن در میان توده کارکنان جامعه فراهم میآورد.

این شرایط به اول ماه مه امسال در ایران و در سراسر جهان مکان و اهمیت ویژه ای میدهد. روز جهانی کارگر روز فراخواندن مردم جهان به افق و چشم انداز و آلترناتیو کارگران سوسیالیسم" منجلا بی بیش نیست. برای کارگران ایران نیز یازده اردیبهشت امسال فرصتی است تا پرچم سیاست و افق و آلترناتیو طبقاتی خود را در پیشاپیش جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی برافرازند.

اعتصاب پرشکوه کارگران پتروشیمی گام مهمی در این جهت است. هزاران کارگر در چندین مجتمع پتروشیمی برای تحقق خواستههای پایه ای کل کارگران ایران نظیر افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زده اند و این نه تنها یک حرکت تعرضی کم سابقه و یک گم بلند بجلو در جنبش کارگری ایران محسوب میشود، بلکه میتواند به نقطه عطفی در جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شود. از یکسو میلیونها مردمی که از فقر و بیکاری و گرانی به ستوه آمده اند در اعتصاب کارگران تجلی خواستها و اهداف خود را می بینند و از سوی دیگر اعتصاب به عنوان یک شیوه کارساز مبارزه علیه جمهوری اسلامی در چشم انداز جامعه قرار میگیرد و زمینه

جناپتکاران این حکومت است. دست اندرکاران دیروز حکومت حداقل میتوانستند تاکنون به روشن تر شدن جوانب این جنایت کمک کنند و این

جمهوری اسلامی پرونده این جنایات در دادگاههای مردمی مورد بررسی دقیق قرار خواهد گرفت و آمرین و عاملینش محاکمه و مجازات خواهند شد. در آن دادگاه سران این حکومت میتوانند از خود دفاع کنند و هرچه خواستند بگویند اما این نوع دفاعیات و گفتن اینکه میرحسین موسوی نخست وزیر این حکومت "در موقع این کشتارها مشغله اش استقراض خارجی بوده و به چیز دیگری جز وضعیت اقتصادی نمی اندیشیده" و امثال اینها، با هیچ استانداردی یک دفاع محکمه پسند نخواهد بود و کمکی به دست اندرکاران این حکومت نمیکند.

موسوی فقط در این دوره نخست وزیر این حکومت جنایت نبوده است. او در دوره کشتارهای سال ۶۰ نیز نخست وزیر این حکومت بوده، در دوره کشتارها و جنایات "انقلاب فرهنگی" کذابی نیز بنا به اعتراف یکی دیگر از دست اندرکارانش در راس "شورای انقلاب فرهنگی" قرار داشته و حتی به قول سرشوش نام انقلاب فرهنگی را او برای این جنایت پیشنهاد کرده است. و تازه سوال اینست که آیا ایشان امروز که از این جنایت خبردار شده است نظرش در این مورد چیست؟ چرا هنوز از "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد" دفاع میکنند؟ چرا هنوز میخواید به دوره خمینی بازگردید؟ چرا یک کلمه در مورد این جنایت حرف نزنده است؟ بهررو همانگونه که اشاره شد در این زمینه اسناد فراوان است و با روند فروپاشی و فاصله گرفتن افراد از این حکومت قطعا اسناد دیگری نیز رو خواهد شد. مردم با فروپاشی جمهوری اسلامی در پی انتقام گیری نخواهند بود. حداقل تلاش ما اینست که یک دوره انتقام و انتقام گیری به جریان نیفتد. اما حقایق باید روشن شود. کانونهای جنایت باید کور شود. جامعه باید از تعرضات جنبشهای ارتجاعی و ضد انسانی نظیر همین جنبش کثیف اسلامی حاکم مصون داشته شود. جامعه باید بعد از سرنگونی حکومت کمر راست کند و به آزادی و شادی و فضایی انسانی دست یابد. یک قدم مهم در این جهت، بازکردن جوانب جنایات جمهوری اسلامی و محاکمه سران و

از صفحه ۱

اینها دارد به نحوی همین را میگوید. و این واقعا نفرت آور است. او بعد از همه این القائات و توجیهات و تشبثات، یک ابهام بزرگ را بالای سر کشتار ۶۷ میگنارد و وانمود میکند که هنوز روشن نیست که این جنایت چگونه و توسط چه کسی صورت گرفته است! او مینویسد "اینکه جریان اعدام های ۶۷ چگونه، و به دستور چه کسی آغاز شد، بحث مفصلی را می طلبد که مجال بیان آن در اینجا نیست"

لزوم چندانیه به پاسخگویی به این نوشته نیست. این جنایت در تاریخ ثبت است. فتوای خمینی برای اجرای بیرحمانه اعدام زندانیان وجود دارد. اعضای "کمیته مرگ" که برخی مثل مصطفی پورمحمدی هنوز نیز از دست اندرکاران حکومتند را همه میشناسند. این جنایت خوشبختانه شاهدان بسیاری دارد. اسناد و فاکت های زیادی در مورد آن وجود دارد. شاکیان خصوصی بسیاری دارد. این نوع تلاش جناح مغضوب حکومت نیز خود گویای داغ بودن این مساله در اذهان مردم و فشار خرد کننده روی طیف وابسته به حکومت است. این نشان میدهد که سران امروز و دیروز جمهوری اسلامی حتی در زمانی که هنوز این حکومت برسیاست، دارند در افکار عمومی محاکمه میشوند و میخواهند با فرافکنی راهی برای تیرنه خویش بچینند. اما این تلاشها نه فقط جمهوری اسلامی و سران دیروز و امروز را تیرنه نمیکند بلکه برعکس بیش از هر چیز خشم و نفرت مردم شریف و بویژه خانواده ها و بستگان آن هزاران نفری که عزیزانشان وحشیانه کشتار شدند را بر می انگیزد. کشتار ۶۷ که بدرست آنرا نسل کشی و جنایت علیه بشریت مینامند، تنها جنایت جمهوری اسلامی نیست بلکه سمبل و شاخص کل جنایات سی ساله جمهوری کثیف اسلامی است که بیش از صد هزار نفر را وحشیانه اعدام کرده است و هنوز نیز دارد به جنایات خود ادامه میدهد. این حکومت و دست اندرکارانش و مدافعانش باید به فراخور حال پاسخگویی این جنایات باشند. قطعا در فردای سرنگونی

کشتار ۶۷ و تقای...

توسط این شخص از قتل عام سال ۶۷ تیرنه میشوند و جریاناتی مثل حزب توده و مجاهدین در کنار "طبیفهای تندرو حکومت" مقصر این جنایت معرفی میشوند! همکاری حزب توده با جمهوری اسلامی و سیاستهای انحرافی و مخرب مجاهدین از جانب هیچ انسان شرافتمندی قابل دفاع نیست. اما پناه گرفتن در پشت آبرویاختگی این جریانات برای تطهیر سران امروز و دیروز جمهوری اسلامی واقعا بی شرمانه و وقیحانه و به حد باورنکردنی ای مسخره است. حقیقت اینست که کل جمهوری اسلامی از سران امروز تا دست اندرکاران دیروز زیر فشار شاییدی بخاطر نسل کشی سال ۶۷ و کل جنایات حکومت قرار دارند. و جالب اینست که این نوشته که از جانب کسی از جناح مغضوب حکومت نوشته شده و توسط طیف موسوی توزیع میشود، فقط تلاشی برای دفاع از موسوی نیست، بلکه تلاشی برای تطهیر کل سران جمهوری اسلامی و حتی خود جمهوری اسلامی است و در چارچوب سیاست همیشگی این طیف در دفاع از جمهوری اسلامی قرار میگیرد. برای نمونه به این جمله توجه کنید: "بند در مقاله ای دیگر با ذکر مستندات و شواهد بیان کرده بودم که حتی آیت الله خمینی، فتوای اعدام های سال ۱۳۶۷ را صادر نکرده بود. وی روحش از این ماجرا خبر نداشت و چون طیفی که مسئولیت اطلاع رسانی در بیت امام را بر عهده داشتند، از جریان نفوذی بودند اطلاعاتی را که به ایشان می دادند اکثر غلط بود..." (براستی شرم و حیا هم چیز خوبی است) در جای دیگری میگوید "کسانی که خاطرات آیت الله منتظری را خوانده باشند متوجه میشوند که بسیاری از سران بلند پایه نظام روحشان از کشتارهای سال ۶۷ خبر نداشته است" ظاهرا از نظر این شخص آنها که بی رحمانه و مظلومانه اعدام شدند خود مقصر اعدام خود بوده اند و برآستی نویسنده در خلال نوشته با گفتن "جریان نفوذی" و اشاره به عملیات "فروغ جاویدان" و برجسته کردن نقش امثال کیانوری در اعدام اعضای این حزب توسط جمهوری اسلامی و امثال

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

زنده باد سوسیالیسم!

پایان اعتصاب با شکوه ...

از صفحه ۱

کارگران پتروشیمی ماهشهر روز گذشته ۳۱ فروردین پایان گرفت و تا همین جا دستاوردهای مهمی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است. نگاهی از نزدیک به این مبارزات بطور واقعی تصویر روشنی از موقعیت امروز جنبش کارگری، پیشروهای آن و گامهای بعدی بعد از بدست می‌دهد. قبل از هر چیز دست رهبران و سازماندهندگان این مبارزات با شکوه را بگرمی می‌فشارم و فراخوانم به فعالین این حرکت مهم اینست که در مورد آنچه که در یازده روز اعتراض و مبارزات گذشت بنویسید و تجربیات ارزشمند خود را بازگو کنید.

به میدان آمدن یک بخش

کلیدی کارگری

اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر از چند جنبه مهم است. اول اینکه در یک بخش کلیدی کارگری در صنایع وابسته به نفت، ما شاهد چنین ابغادی از اعتراض و مبارزه بودیم و وزن سنگین آن تاثیرات خود را بر مبارزات کارگران نفت و کل منطقه خوزستان و کل جنبش کارگری خواهد گذاشت. این حرکت یک بار دیگر توجه کل جامعه را به سوی کارگران جلب کرد. نقطه اتکالی شد برای مبارزات کارگران و کل جامعه و بطور واقعی توازن قوا را برای جنبش کارگری و مبارزات موجود در جامعه تغییر داد.

خواسته‌های تعرضی و رو به پیش

خواست اصلی این کارگران کوتاه شدن دست واسطه‌ها و پیمانکاران بود. در کنار این خواست، کارگران با هوشیاری تمام، اعتراض خود را به ۳۳۰ هزار تومان حداقل دستمزد اعلام شده دولت نیز اعلام داشتند و خواهان افزایش دستمزدهایشان شدند. و در عین حال اعلام داشتند که نباید پرداخت دستمزدها به تعویق افتد. به این ترتیب هزاران کارگر پتروشیمی پرچمدار خواسته‌های فوری کل کارگران شدند. و با اعتراض کل جامعه علیه فقر و گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر همصدا شدند. خواست محوری ای که کارگران پتروشیمی ماهشهر را متحد کرد، جمع شدن بساط پیمانکاران و واسطه‌های کار در محیط‌های کار و بستن قراردادهای مستقیم با شرکت و قراردادهای دسته



شهلا دانشفر

جمعی بود. جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدنش با تکه تکه کردن کارگران نفت و سپردن هر بخش این صنعت و بخش‌های وابسته به آن به یک پیمانکار، ساختار جدیدی به این بخش کلیدی کارگری داد. جمهوری اسلامی این کار را کرد تا تجربه انقلاب ۵۷ و نقش کارگران نفت در آن تکرار نشود. و بعد نیز همین سیاست را در مجتمع‌های دیگری چون ایران خودرو و ذوب آهن اصفهان تسری داد. بطوریکه امروز خود مقامات دولت سخن از این می‌گویند که ۸۰ درصد شکل استخدام‌ها، استخدام توسط پیمانکاران و واسطه‌هاست. کارگران پتروشیمی ماهشهر با اعتصابات با شکوه خود کل این ساختار و این بساط را مورد تعرض قرار دادند و پایان این شکل برده وار کار را اعلام کردند. این اعتراضات راه را برای کارگران نفت، برای کارگران پتروشیمی‌های دیگر و برای کارگران ایران خودرو و ذوب آهن اصفهان باز کرد و اکنون زمزمه‌های اعتراض در این مراکز نیز بلند شده است. جمع شدن بساط پیمانکاران هم به معنای حذف دست‌ان‌دلان و مفت خوران و بالا رفتن دستمزدها و بهبود شرایط کار کارگران است، و هم تکه پاره شدن صفوف کارگران از طریق پیمانکاران را خنثی می‌کند و به اتحاد صفوف کارگران بسیار کمک می‌کند. این خواست را باید در سراسر ایران به عمل در آورد.

شیبوری شروع اعتصابات سراسری

اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر، و وقوع آن در یک مرکز کلیدی و حساس بطور واقعی جنبش کارگری را در موقعیتی جدید قرار داد. این اعتصابات مراکز کلیدی و حساس کارگری را را به تحرك درآورد. بویژه اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر در دل شرایطی از اعتراضات در جامعه شروع شده و مردم مترصد فرصتی هستند که گسترده به خیابان بیایند و خود را از شر این رژیم رها کنند. در متن اوضاع سیاسی پر تب و تاب جامعه است که این حرکت مهم و موفقیت

آمیز روی می‌دهد. بدنبال این اعتراضات به روشنی میتوان دید که اکنون کارگران با وزن سنگینشان و با خواسته‌های اساسی خود، به میدان می‌آیند و این اتفاق روند اوضاع سیاسی جامعه را نیز قطعاً تغییر خواهد داد. به این اعتبار مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر، در مقابل گسترش جنبش انقلابی مردم افق تازه ای را گشود، آلت‌رناتیو کارگری را بیش از پیش به جلوی صحنه آورد و جهت روشنتری به مبارزات کل جامعه داد.

ناکیدی بر برخی نقطه قوت‌های این مبارزه

یک نقطه قوت اعتصابات کارگران پتروشیمی درجه بالای سازمانیافتگی آن بود. مبارزاتی که بسرعت ۹ مجتمع این منطقه اقتصادی را در بر گرفت. حرکت از مجتمع بندر امام شروع شد. این کارگران در ادامه اولیستامتوم ۲۸ اسفند خود اعتصابشان را شروع کردند. مهم اینجا بود که اولیستامتوم دادند و خود را برای عملی کردن آن آماده کردند و اولیستامتومشان را اجرا کردند. این کارگران در همان ابتدا با اطلاع رسانی و صدور بیانیه و به کارگیری اشکالی از اعتراض چون راهپیمایی، دیگر مجتمع‌های منطقه اقتصادی را به تحرك و حرکت درآوردند و بدین ترتیب هزاران کارگر در این منطقه اقتصادی وارد اعتصاب شدند. یک نکته جالب توجه این بود که در روزهای آخر خانواده‌های کارگران نیز شروع به پیوستن به حرکت کردند. و این خود ابعاد اجتماعی تری به این اعتراضات داد. این اعتصابات همچنین حمایت و همراهی اتحادیه آزاد کارگران ایران را با خود داشت و دیگر تشکلهای کارگری که به همت خود کارگران تشکیل شده‌اند، از جمله سنیدیکای شرکت واحد، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، کمیته هماهنگی و سنیدیکای کارگران فلزکار و مکانیک طی نامه‌هایی حمایت خود را از این مبارزات اعلام داشتند. جمهوری اسلامی جرات سرکوب و مقابله مستقیم با این حرکت را به خود نداد. اما برای به شکست کشاندن این اعتراضات به توطئه‌های مختلفی دست زد. تلاش کرد در میان کارگران تفرقه ایجاد کند، اما کارگران با اتحادشان آنرا خنثی کردند. حکومت حتی تلاش کرد از بخشهای دیگری از کارگران بعنوان اعتصاب شکن استفاده کند و در جایی مثل پتروشیمی کرمانشاه

تلاش کردند تعدادی از کارگران را متقاعد کنند که به جای کارگران اعتصابی پتروشیمی ماهشهر کار کنند و از وجود آنان برای شکستن این مبارزات استفاده کنند. اما کارگران پتروشیمی کرمانشاه در مقابلشان ایستادند و گفتند ما نیز همین خواسته‌ها را داریم و زمزمه اعتراضی برای کوتاه شدن دست پیمانکاران در این مجتمع نیز بلند شد.

کارگران پتروشیمی ماهشهر کاری کردند که دولت و کارفرمایان را به پای میز مذاکره کشانند و خواسته‌های خود را به آنها تحمیل کردند. ما بار دیگر شاهد جلو آمدن صف جدیدی از رهبران کارگری بودیم. از جمله کارگران مجتمع پتروشیمی بندر امام در اجتماعشان ۲۵ نماینده و در مجتمع امیرکبیر کارگران ۶ نفر را بعنوان نماینده خود انتخاب کردند و در دیگر مجتمع‌ها نیز کار به همین صورت به جلو رفت. بدین ترتیب اجتماعات هر روزه، انتخاب نمایندگان کارگری، شرایط رفتن بسوی قراردادهای دسته جمعی را برای کارگران فراهم ساخت. اکنون کارگران پتروشیمی در موقعیتی بسیار سازمانیافته تر و متحد تر قرار داشته و اجتماعات خود و نمایندگان خود را دارند. اجتماعاتی که میتواند بصورت نشست منظم هفتگی کارگران برای پیگیری خواسته‌هایشان، تداوم یابد و مجمع عمومی منظم کارگران و تشکل واقعی آنان باشد. اکنون نمایندگان منتخب مجتمع‌های پتروشیمی میتوانند، در ارتباط با هم نشست‌های منظم خود را داشته باشند، و تداوم اعتراضات کارگران در این منطقه اقتصادی را پیگیری کنند. و عملاً نقش شورای منتخب کارگران پتروشیمی ماهشهر را ایفا کنند. علاوه نگاهی به مفاد موافقت نامه‌های نمایندگان کارگران با نمایندگان دولت و کارفرما هوشیاری و توان بالای این کارگران را در سازماندهی و جلو بردن چنین حرکت و اعتراضی به روشنی بیان میکنند.

کارگران کارفرمایان و دولت را ناگزیر کردند که متن توافقات را کتبی کنند. تا اگر عملی نکردند با استناد به آنها دوباره در صفی قدرتمندتر بیرون بیایند و خواسته‌هایشان را پیگیری کنند. مهلت سه ماهه برای برقراری شرایط برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری و برقرار شرایط یکسان استخدامی برای همه کارگران را دادند تا با یک وعده آنها را سر نندازند. و از

هم اکنون که جمع هستند، اعلام کردند که آنها حق ندارند که کسی را بخاطر این مبارزات زیر فشار بگذارند و از کار اخراج کنند. و حقوق ایام اعتصاب نیز باید به آنها پرداخت شود. بدین ترتیب کارگران با موضوعی قدرتمند، تا همین جا حرکتی قدرتمند را به جلو برده‌اند. همین توافقات درس آموزنده‌ایست برای همه کارگران که اجازه ندهند، در برابر مبارزاتشان آنها را سر بردارند، مبارزاتشان را فرسوده کنند و بعد مورد یورش و تهاجمشان قرار دهند و در همان زمان که جمع هستند و قدرت دارند، تمام حرف خود را بزنند. زنده باد کارگران پتروشیمی ماهشهر. باید از درسهای این مبارزات آموخت.

بعد از مبارزات کارگران

پتروشیمی ماهشهر

همانطور که اشاره کردم مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر راه را برای کارگران نفت، کارگران مجتمع‌های پتروشیمی در دیگر شهرها، کارگران ایران خودرو، کارگران ذوب آهن اصفهان و دیگر بخش‌های کارگری باز کرد که جلو بیایند و با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران این زنجیر را از پای خود دور بیندازند. راه را باز کرد برای همه بخش‌های کارگری، برای معلمان، برای پرستاران و بسیاری از کارکنان در بخش خدمات که عیناً با چنین معضلاتی دست بگریباندند، که قدرتمند و متحد جلو بیایند و صدای اعتراض خود را به دستمزدهای زیر خط فقر اعلام کنند و خواهان افزایش فوری دستمزدها شوند و پیشاپیش جامعه پرچم مبارزه علیه فقر و فلاکت را بلند کنند. خصوصاً اکنون در آستان اول مه است که همه این اتفاقات را شاهدیم و اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر این فرصت را ایجاد کرده است که با قدرت بیشتری این روز مهم اعتراض را به یک روز قدرتمندی و پیشروی سراسری تبدیل کنیم.

اکنون رسالت بیشتری بر دوش کارگران پتروشیمی ماهشهر و کارگران نفت است و جا دارد که این کارگران با قطعنامه خود به مناسبت اول مه، پیشاپیش کل جامعه، ۱۱ اردیبهشت، اول مه را گرامی بدارند و کیفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری و مصائب آن اعلام کنند. زنده باد کارگران پتروشیمی ماهشهر، زنده باد اول مه روز جهانی کارگران*

بازتاب هفته

اینترنت حلال و تقلاي بازگشت به عصر حجر



بهروز مهر آبادی

روز ۲۶ فروردین يك مقام دولتی جمهوری اسلامی بنام علی آقا محمدی خیر از تاسیس نخستین "شبکه اینترنتی حلال" در ایران را داد. برای راه اندازی این شبکه کنسرسیومی بنام "ایرانیان نت" ثبت شده که قرار است در زمینه توسعه فیبر نوری فعالیت کند و در مرحله اول فعالیت خود ۱۰ میلیون کاربر را به "اینترنت حلال" وصل کند. تلاش های رژیم برای محدود کردن اینترنت همانگونه که انتظار میرفت بهیچوجه نتوانسته مانع از استفاده وسیع مردم بویژه جوانان از این ابزار برای اطلاع رسانی و مبارزه با رژیم و قوانین اسلامی آن شود. کنترل سازمان یافته ارتباطات اینترنتی و محدود کردن آن از سال ۱۳۷۹ و توسط دولت اصلاح طلب محمد خاتمی

آغاز شد. کمیته ای متشکل از نمایندگان وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد و صدا و سیما در این مورد تشکیل گردید و در ادامه کار این کمیته در سال ۸۵ "پایگاه مرکزی فیلترینگ ایران" دایر شد که قابلیت شناسایی کاربران اینترنت و ذخیره مراجعات آنها به وب سایت ها را داشت. استفاده از تکنولوژی جدید برای استفاده از سرعت های بالای کامپیوتر عملاً ممنوع شد و سرعت ارتباطات اینترنتی در پایینترین حد ممکن نگاه داشته شد. از طرف دیگر قیمت بالای اینترنت دسترسی به آن را برای بسیاری از مردم دشوار و غیر عملی ساخت. در حال حاضر سرعت متداول اینترنت در ایران کمتر از ۵۶ کیلو بیت در ثانیه است، بیشتر از ۱۲۸ کیلو بیت اینترنت با "سرعت بالا" رده بندی شده و فقط به اشخاصی با "مشاغل خاص" فروخته می شود و حداکثر سرعت اینترنت ۵۱۲ کیلو بیت در ثانیه است که با قیمت بسیار گزاف و با تأیید نهاد های امنیتی فروخته می شود. در حالی که سرعت متداول اینترنت در غالب کشورهای جهان بین ۲۰ تا ۱۰۰ مگا بیت در ثانیه است که ده

ها برابر سرعت آن در ایران است. از سوی دیگر بر اساس برآوردهای انجام شده قیمت خدمات اینترنتی جمهوری اسلامی چند هزار برابر آسانی دریافت که چه سود هنگفتی از این طریق به جیب سرمایه داران اسلامی می رود. در برخی از کشورهای جهان دسترسی به شبکه اینترنت بطور رایگان در بعضی از اماکن عمومی نظیر فرودگاهها و ایستگاههای راه آهن و یا میادین بزرگ وجود دارد. تاثیر و دخالت عظیم اینترنت در شئون مختلف زندگی مردم، لزوم دسترسی همگانی و رایگان به آن را همچون تحصیل و بهداشت رایگان در هر جوامع امروزی مطرح ساخته است.

اما با وجود محدودیت های بیشماری که جمهوری اسلامی در استفاده از اینترنت ایجاد کرده، استفاده جوانان از اینترنت موجب وحشت و هراس رژیم شده است. در اواخر سال گذشته اعلام شد که "پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات" یا پلیس اینترنتی در ایران شروع به کار کرده است. اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی رژیم در همین رابطه شبکه های اجتماعی نظیر فیس بوک و توییتر را عامل "سازماندهی ناراضیان

پراکنده، مجرمان و سرویس های خارجی" اعلام کرد و گفت که این شبکه ها "هزینه بسیاری را در کشور به ما تحمیل کردند". دسترسی به اینترنت از سال ۸۸ و شروع جنبش انقلابی مردم شدت یافت و سران رژیم بر لزوم و اهمیت کنترل بیشتر فضای اینترنت تاکید کردند. بسیاری از سایت ها فیلتر شدند و تعداد زیادی از جوانان بخاطر استفاده از اینترنت در افشای جنایات رژیم، پخش اخبار مبارزات مردم و یا اظهار نظرات خود زندانی شده و مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند. جرم بسیاری از زندانیان سیاسی محبوس در زندانهای رژیم استفاده از اینترنت است. در حال حاضر ارتباطات اینترنتی وسیعاً کنترل می شود و با بروز هر گونه تظاهرات و اعتراض مردم، ارتباطات اینترنتی قطع می شود. اما این محدودیت ها نتوانسته است استفاده از اینترنت را متوقف کند. تکنولوژی و فنون در هم شکستن موانع همراه با شیوه های اختناق و سانسور در اینترنت رشد کرده و این موانع را در هم شکسته است.

"اینترنت حلال" تقلايی برای مقابله با این وضعیت است. قرار است "اینترنت حلال" از سایت های غیر اسلامی پاک باشد، قرار است

بجای موزیک فقط نوحه خوانی و مرثیه خوانی و سینه زنی بگوش برسد. قرار است بجای سایت های سرگرم کننده و علمی صفحاتی باز شود که در آن سنگسار، اعدام و شکنجه ترویج شود. قرار است در دهکده بزرگ جهانی جامعه ایران کاملاً مسدود و منزوی باقی بماند. اما آیا این کار شدنی است؟ آیا میتوان تمدن را از چشم يك جامعه ۸۰ میلیونی که از میلیونها طریق با جهان خارج در ارتباط است، پنهان کرد؟ این را هر کودک دبستانی می داند که کوچکترین تماس و ارتباط با شبکه جهانی اینترنتی راه را برای تبادل اطلاعات با دنیای خارج باز می کند. کره زمین در درون امواج اطلاعاتی غوطه ور است. با گاز اشک آور و باتوم و زندان نمی توان مانع این امواج شد همانطور که نمی توان زمین را از گردش به دور خورشید باز داشت. اینترنت حلال و دعای امن یجیب هم کمکی نخواهد کرد. سرعت گسترش علم و تکنولوژی هزاران بار بیشتر از رشد جهالت و توحش است اما بعید بنظر می رسد که عمر جمهوری اسلامی کفاف دهد تا بی فایده بودن "اینترنت حلال" را برای حل مشکلاتش درک کند.*

جنایات جمهوری اسلامی در اهواز و شهرهای اطراف شدیداً محکوم است!

از پنجشنبه ۲۵ فروردین جمهوری اسلامی به جنایاتی گسترده علیه مردم مناطق عرب زبان اهواز، شهرها و شهرک های اطراف آن دست زده است. بنا به خبرها در حملات نیروهای جنایتکار اسلامی تعدادی کشته، تعدادی مجروح و تعداد قابل توجهی دستگیر شده اند. در روزهای گذشته عملاً نوعی حکومت نظامی در این مناطق برقرار بوده است. این وحشیگری رژیم مستاصل اسلامی برای مقابله با فراخوان به تظاهرات در روز جمعه ۲۶ فروردین (در ششمین سالگرد تظاهرات وسیع مردم "شلنگ آباد" و دیگر مناطق محروم و عمدتاً عرب نشین اهواز) بود که از سوی جوانان و تحت تاثیر انقلابات اخیر در مصر و تونس و سایر مناطق و از طریق اینترنت سازمان یافته بود.

حزب کمونیست کارگری هجوم سبانه جمهوری اسلامی به مردم اهواز و شهرهای اطراف را بشدت محکوم میکند. با همه داغداران این جنایات عمیقاً اظهار همدردی میکند و خود را در کنار همه مردم زحمتکش، فقیر و محروم در اهواز و شهرهای دیگر خوزستان در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق خواسته های بحق شان میدانند. ما خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان وقایع اخیر و همه زندانیان سیاسی و برچیدن شرایط پلیسی حاکم بر شهر و محلات و معرفی و محاکمه آمرین و عاملین جنایات اخیر هستیم. ما همه مردم کارگر و آزاده اهواز و شهرهای خوزستان را دعوت میکنیم تا در صفی متحد علیه جمهوری اسلامی این عامل بلافضل

به نیروی انقلابی خود سرنگون کنند و حاکمیت مستقیم خود را برقرار کنند. حکومتی که آزادی، کرامت و رفاه انسان اساس آنست، تجلی اعمال اراده شهروندان متنسوی الحقوق است و به همه تبعیضات مذهبی و قومی و جنسی پایان میدهد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ فروردین ۱۳۹۰، ۱۸ آوریل ۲۰۱۱

زنده باد کارگران پتروشیمی کرمانشاه

برای لغو قرارداد با پیمانکار در میان کارگران پتروشیمی کرمانشاه شنیده میشود. بدینطریق تلاش جمهوری اسلامی برای استفاده از کارگران پتروشیمی کرمانشاه به عنوان اعتصاب شکن شکست خورد. زنده باد کارگران پتروشیمی کرمانشاه
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ فروردین ۱۳۹۰، ۲۰ آوریل ۲۰۱۱

انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

"فتنه عمیق تر از فتنه"

۸۸

یاشار سهندی

انقلاب خاموش نشده است. اشکال اعتراضی را اکنون میتوان در عدم پرداخت قبض ها مشاهده کرد. میتوان به حجاب زنان اشاره کرد که عملاً زنان آنرا رعایت نمیکند، یکی از آخوندهای حکومتی چند هفته پیش رسماً تأکید کرد که بد حجابی مبارزه سیاسی است که زنان علیه حکومت اسلامی انجام میدهند. میتوان به اعتصاب کارگران پتروشیمی ها اشاره کرد که قاطعانه در برابر دولت ایستاده اند. میتوان به اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به طرح "جداسازی جنسیتی" اشاره کرد. میتوان به اعتراض روزمره مردم در هنگام خرید لوازم ضروری زندگی اشاره کرد. یکی دیگر از کارگزاران این حکومت (رئیس خبرگزاری فارس) صراحتاً میگوید: "... دشمن تلاش خواهد کرد موضوع قانون هدفمندی یارانهها را که به عنوان يك انقلاب بزرگ اقتصادی، عرصه جدیدی از تحول را برای کشور رقم می زند (واقعاً؟!)"، به چالش های اجتماعی مبدل کرده به نوعی در برابر جهاد عظیم اقتصادی ملت ایران ایستادگی کند. "دشمن" اینجا کل توده های مردم هستند که دولت را به چالش کشیده اند، که در برابر فتوای نوروزی خامنه ای مبنی بر ریاضت اقتصادی ایستاده اند و بدینگونه طرح "هدفمند کردن یارانه ها" را دارند به شکست میکشانند. اینجا این کارگزار حکومت، رئیس خبرگزاری که وابسته به سپاه است دارد میگوید این طرح دارد به "چالش اجتماعی" تبدیل میشود و این نشانه شکست این طرح ضد انسانی حکومت است. فتنه عمیق تر از سال ۸۸ بی شک در راه است اما این فتنه (نامی که جمهوری اسلامی بر انقلاب مردم ایران نهاده است) همانا قدرت مردم است. انقلاب ۸۸ و انقلابات جاری در کشورهای منطقه قدرت پیش بینی آینده حکومت را به گفته توکل از ایشان سلب کرده است. سقوط دیکتاتورهای منطقه و به چالش کشیدن شدن پی در پی دیکتاتورها و مقاومت مردم در مقابل همه گونه سرکوبگری حکومتهای منطقه، جمهوری اسلامی را نیز به چالش عظیمی کشانده است. مردم رفاه و آزادی میخواهند این را هیچکدام از حکومتهای منطقه نمی توانند به

مردم بدهند، پس باید بروند. و بطریق اولی این سرنوشت محتوم جمهوری اسلامی نیز هست. جمهوری اسلامی سرنوشت خود را دارد در آینه میبیند. بخصوص اینکه میداند با وجود همه وحشیگریها که انجام داده و دولت احمدی نژاد را به جان مردم انداخته این مردم ساکت ننشستند. و دارند هشدار میدهند که به خاطر حذف یارانه ها و حمله بیشتر و وسیعتر به رفاه مردم "چالش اجتماعی" در پیش است. دولت احمدی نژاد و خود شخص ایشان دیگر برای جمهوری اسلامی میشود گفت کارکرد سابقش را از دست داده و دست و پا گیر شده است. اما در موقعیت کنونی نه میتوانند او را معزول کنند و نه میتوانند به او اعتماد کنند. دوراهی که هر دو به مرگ جمهوری اسلامی منجر میشود. *

انقلاب مصر و آخرین تحولات

محمد شکوهی

در مصر حسنی مبارک سرنگون شده است اما انقلاب ادامه دارد. در هفته های اخیر هزاران نفر در میدان تحریر قاهره با برپایی تظاهرات خواهان عملی شدن خواسته های انقلاب شان شدند. مردم با حمل پلاکاردهایی که بر روی آن از جمله نوشته شده بود: "انقلاب ادامه دارد"، "محاکمه خاندان مبارک"، "دستگیری و محاکمه سران دولت سابق" و "انحلال حزب مبارک" نوشته شده بود، اعلام کردند که اجازه نخواهند داد انقلابشان دزدید شود. در قطعنامه ای که در همین تظاهرات قرائت شد مردم خواهان رسیدگی به خواسته های فوری شان شده و شورای نظامی حاکم بر این کشور را تهدید کردند که اگر پاسخی ندهد، بار دیگر هر روز در میدان تحریر تجمع خواهند کرد. شورای عالی نظامی مصر در واکنش به این خواست مردم مجبور شد عقب نشسته و دستور دستگیری و محاکمه مبارک و پسرانش را صادر نماید. نظامیان که از روی ناچاری و بر اثر فشار اعتراض و مبارزه مردم مجبور به این کار شده بودند، متعاقباً از زبان دادستان مصر خبر محاکمه آنها را دادند. روز بعد دادستانی مصر اعلام کرد که به دلیل وضعیت جسمی مبارک این محاکمه به تعویق می افتد.

سخنگوی نظامیان حاکم اعلام کرد که برای انجام و روند دادرسی

محاکمه احتیاج به وقت دارد. در واکنش به این تصمیم نظامیان هفته گذشته بار دیگر هزاران نفر از مردم در میدان تحریر تجمع کرده و خواهان تسریع محاکمه مبارک و اعضای دولت وی شدند. در واکنش به این حرکت مردم، فرماندهی نظامی به مردم اعلام کرد که ۲ روز فرصت دارند تا میدان تحریر را تخلیه نمایند و اگر نه با نیروهای پلیس مردم را از این میدان اخراج خواهند کرد. همزمان با این تحولات يك کمیته مستقل که مشغول تحقیق در باره جنایات سی ساله رژیم مبارک بود، نتایج تحقیقاتش را اعلام کرد. این کمیته رسماً اعلام نمود که شمار کشته شدگان انقلاب مصر ۸۴۶ نفر و تعداد مجروحان بیش از ۶۰۰۰ نفر می باشد. گزارش این کمیته حاکی از خشونت پلیس مصر در مقابل تظاهر کنندگان است و تأکید کرده است که بسیاری از کشته شدگان در میدان تحریر به ضرب گلوله تک تیراندازان که در ساختمانهای مجاور مخفی شده بودند، جان باخته اند. بر اساس این گزارش شخص مبارک مسئول مستقیم این کشتار و سرکوب ها بوده که باید محاکمه بشود.

با انتشار این گزارش و اصرار مردم مبنی بر محاکمه سران و بازماندگان رژیم مبارک موج دیگری از تظاهرات مردم آغاز شد. هزاران نفر در شهر شرم الشیخ که محل بازداشت و اقامت مبارک می باشد، تظاهرات کرده و خواستار محاکمه مبارک شدند. همزمان هزاران نفر در شهرهای قاهره، اسکندریه، سوئز به این اعتراضات پیوستند. نظامیان حاکم که از سرگیری دوباره اعتراضات مردم سراسیمه شده اند، به نیروهای پلیس دستور دادند که از تجمعات مردم جلوگیری نمایند. در قاهره پلیس برای خالی کردن میدان تحریر، میدان انقلاب مصر، به روی مردم آتش گشود و يك نفر را کشت و دهها نفر را زخمی کرد. در شرم الشیخ مردم موفق شدند تعرض پلیس را عقب رانند و تا نزدیکی ساختمان محل اقامت مبارک پیشروی کنند. در همین رابطه خبرگزاری رویترز نوشت: مردم معترض در این تجمعات که هنوز هرچند به شکل محدود، در شرم الشیخ ادامه دارد خواستار "محاکمه دزد" هستند. دو هفته پیش هم دادستانی مصر مجبور شد به یکی دیگر از خواست های مردم،

یعنی انحلال حزب مبارک و مصادرته داریی های آن رای بدهد.

رویارویی مردم با نظامیان حاکم در اشکال دیگری نیز ادامه دارد. نیروهای حاکم خواهان پایان تظاهرات و "فرصت و وقت" از مردم برای "عادی سازی" بوده و به هر وسیله ای در صدد هستند تا به مردم بقبولانند که انقلاب تمام شد، برگردید سرکار و زندگی تان. در مقابل مردم خواهان ادامه انقلاب و در هم کوبیدن سیستم سیاسی به ارث رسیده از دیکتاتوری مبارک و محاکمه سران و دست اندرکاران رژیم مبارک می باشند.

جدال اصلی میان انقلاب و ضد انقلاب در مصر شکل گرفته و ادامه دارد. مردم خواهان عمیق ترین تغییرات به نفع اکثریت می باشند. در مقابل حاکمان نظامی مدام وعده و وعید می دهند و در تلاشند که انقلاب مردم را پایان یافته وانمود کنند تا بتوانند اوضاع سابق را، البته بدون مبارک، احیا نمایند. اما در جبهه انقلاب مقاومت و اعتراض و امید به رسیدن به پیروزی واقعی هنوز زنده و قدرتمند است. آینده مصر در دستان مردم انقلابی و در نبرد آنها با حاکمان جدید قرار دارد. به نظر می رسد که مردم مصمم هستند که برای بدست آوردن خواسته هایشان به مبارزه و اعتراض ادامه داده و صحنه را به این راحتی خالی نخواهند کرد. نه وعده های انتخاباتی که حاکمان داده اند و نه قول و قرارهای توخالی نظامیان حاکم برای ساکت کردن مردم و خسته کردن آنها از ادامه انقلاب، موفق نبوده است. پیروزی نهایی انقلاب مردم مصر فقط با درهم کوبیدن ماشین سرکوب و کشتار دولتی به ارث رسیده به حاکمان جدید امکان پذیر است تا بتواند آینده انقلاب و رهایی مردم مصر را تضمین نماید. در این میان هر روز برای مردم چهره واقعی حاکمان و عناصر وابسته به رژیم سابق، بیشتر و بیشتر رومی شود. تحزب و تشکل و به میدان آمدن چپ و بورژوا جنبش های زنان و کارگران و دخالت در روندهای سیاسی برای به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام مردم مصر امری حیاتی و يك ضرورت عاجل و فوری است. مردم مصر در این راه گامهای اولیه را برداشته اند. پیروزی انقلاب ناتمام مصر امر کارگران، نیروهای چپ، آزادیخواه و سکولار است. این فرصت تاریخی را نباید از دست داد. *

دوران حکومت طوایف و ...

عبدل کلپریان



و میدانهای شهرهای کردستان به تظاهرات و تجمعات خود ادامه می دهند. روز یکشنبه ۱۷ آوریل مصادف با شصتیمین روز از حرکت اعتراضی مردم بود که توسط ماموران امنیتی، پلیس و آسایش حکومت مورد یورش قرار گرفت. بیش از ۲۰۰ نفر را با گلوله، گاز اشک آور و چوب و سنگ و چماق زخمی کردند اما مردم آزادیخواه شهر سلیمانیه به همراه سخنگویان خود در انجمن موقت میدان آزادی بر این مسئله پافشاری کردند که تا تحقق تمام و کمال خواستههایشان ساکت نخواهند نشست و این اعتراض و مبارزه را با موفقیت بسرانجام خواهند رساند. حکومت طالبانی بارزانی در تلاشند تا با میلیتاریزه کردن شهرها مانع از حضور مردم در گردهماییها، تظاهرات و اجتماعات خود شوند. به همین منظور در تدارک گسیل نیروی بیشتری از نیروهای سرکوب خود هستند تا با اشغال میدان آزادی و دیگر میادین شهرها، صدای حق طلبانه مردم را خفه کنند.

طی حاکمیت احزاب بارزانی و طالبانی در کردستان و بویژه در دوماه اخیر برای مردم روشن شد که حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد ابتدا برای بخانه فرستادن مردم به وعده و فریب متوسل شدند. کسی برای این وعده ها تره خورد نکرد و مردم در این مدت با استقامت بر خواستههای خود اصرار ورزیدند. اما امروز این حاکمان شمشیرهایشان را از رو بسته و بعد از دوماه سرکوب، کشتن و زخمی کردن مردم اعلام کرده اند که نیروهایشان همراه با هرگونه سلاحی که لازم باشد را برای مقابله با تظاهرات و تجمعات مردم بکار خواهند گرفت. این البته سیاستی متفاوت از آن سیاستی است که پیشتر رئیس پارلمان کردستان در جهت برآوردن بعضی از خواستههای مردم وعده داده بود. سیاست سرکوب و توحش نیروهای حکومت را باید بر مبنای دیدار جلال طالبانی و نچیروان بارزانی با سران حکومت ایران از یک سو و از سوی دیگر دیدار یکی از نمایندگان دولت آمریکا با حاکمان اقلیم کردستان مورد ارزیابی قرار داد. بعد از این دو ملاقات سیاست احزاب حاکم در کردستان عراق با آنچه که

قبلتر در دادن وعده های سر خرمن ادعا می کردند با هم فرق دارد. قطعاً مردم مبارز و انقلابی شهرهای کردستان عراق همراه با احزاب سیاسی و چپ این سیاست خشن و سرکوبگرانه را نقش بر آب خواهند کرد.

مردم آزادیخواه کردستان این دارو دسته های ناسیونالیست حاکم را بعنوان نمایندگان تجار، مالکان و بورژوازی عقب مانده کرد در کردستان می شناسند. این شاخ و شانه کشیدن نیز برای مردم بیشتر از پیش آشکار کرد که احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق کوچکترین تفاوتی با حکومتهای سرکوبگر، دزد و چپاولگر منطقه ندارند و نشان داده اند که برای حفاظت از منافع طبقاتی خود به هر جنایتی و در همسویی با حکومت اسلامی و آمریکا علیه مردم و کارگران دست می زنند. این سیاست سیاسی شکست خورده است و حاکمان ناسیونالیست کرد را در محمصه و بحرانی که در آن گرفتار آمده اند نجات نخواهد داد.

مردم آزادیخواه و برابری طلب شهرهای کردستان عراق که برای رسیدن به یک زندگی انسانی و مطابق با معیارهای دنیای امروز مبارزه می کنند، اکنون دیگر کوچکترین توهمی نسبت به حاکمیت ارتجاعی، عشیره ای حاکمان کردستان عراق ندارند. برای مردم و کارگران در کردستان نیز کاملاً روشن است که جریان بنام گوران که ادعای اصلاح طلبی دارد و همچنین دو حزب اسلامی مترجع دیگر که تا دیروز در حکومت سهم و شریک بودند، نق زدن امروزشان در شکل اپوزیسیون فقط برای سهم خواهی بیشتر در حکومت است و اینها نیز قادر نخواهند بود مبارزه مردم را به بیراهه ببرند. حزب گوران فاقد کوچکترین خواست اصلاحات برای زندگی مردم است. از ابتدا نیز بخاطر امتیازات بیشتر به اپوزیسیون تبدیل شده نه بخاطر خواست و مطالبات مردم. اینها تلاش می کنند بر موج اعتراض مردم سوار شده تا سهم بیشتری از حکومت نصیبشان شود.

در دو ماه گذشته بارها هر سه

حزب اپوزیسیون در مذاکراتی که با دو حزب اصلی حاکم یعنی طالبانی و بارزانی داشته اند، هر دو طرف کوشیده اند تجمعات و اعتراضات میدان آزادی سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان را لاپوشالی کنند و زور خود را زده اند تا بلکه حرکت اعتراضی مردم را در کاسه اپوزیسیون ریخته و با مذاکره و مصالحه از بالا به توافقاتی برسند و مردم را بخانه بفرستند. اما ظرفیت و توان جنبش انقلابی مردم کردستان، احزاب سیاسی چپ و کمونیست و سخنگویان شان با هوشیاری تمام تا کنون این طرح و ترفند ها را نقش بر آب کرده است. کارنامه ۲۰ ساله احزاب بارزانی و طالبانی و همچنین دیگر اپوزیسیونی که تا چندی پیش خود در حاکمیت بودند، برای هر انسان آزادیخواه و شرافتمندی در کردستان رو شده است. حاکمان ناسیونالیست کرد در ۲۰ سال گذشته با چپاول و دزدی، با فساد اداری و امروز با سرکوب آشکار برای حفاظت از منافع و بقای خود دارند دست به کشتار مردم می زنند.

خواست و مطالبات انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه در شهرهای کردستان و در سلیمانیه بعنوان قلب تپنده حرکت رادیکال مردم همراه با احزاب و نیروهای سیاسی چپ و کمونیست در آنچنان موقعیتی قرار دارد که هر گونه سازش و مصالحه حکومت با اپوزیسیون درون حکومتی را از بالای سر مردم عقیم سازد. تلاش هر دو طرف برای توافق از بالا و برای بخانه فرستادن مردم است. احزاب و نیروهای چپ و سکولار و همچنین انجمن موقت میدان آزادی وظیفه بسیار مهمی را در این شرایط حساس و تاریخی بر عهده دارند. احزاب سیاسی چپ و کمونیست باید بتوانند نیروی اجتماعی هر چه وسیعتری در جامعه کردستان را بیشتر از پیش حول خواست و مطالبات انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه سازمان داده و در میدان اعتراض و مبارزه شان علیه حاکمیت نگه داشته، هدایت و رهبری کنند. اعتراض، مبارزه و تجمع دوماه مردم در شهرهای کردستان عراق بویژه در شهر سلیمانیه، ماهیت ارتجاعی، و ضد انسانی احزاب ناسیونالیست کرد را در برخورد به این تجمعات را برای هر ناظر بی طرف یا متوهمی برملا کرده است.

صفحه ۷

حاکمان ناسیونالیست کردستان عراق در میدان آزادی سلیمانیه به روی مردم آتش گشودند

روز یکشنبه و در شصتیمین روز از اعتراضات مردم آزادیخواه

شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان، هزاران نفر از زنان، مردان و جوانان آزادیخواه و دانشجویان دانشگاه سلیمانیه در میدان آزادی این شهر تجمع کردند و یکبار دیگر قاطعانه بر خواستهها و مطالبات خود پافشاری کردند. بنا به گزارش حزب کمونیست کارگری چپ عراق در این روز همانند روزهای گذشته افراد و شخصیتهای سیاسی و دیگر جریانها چپ و رادیکال برای شرکت کنندگان حاضر در میدان آزادی سلیمانیه سخنرانی کردند. هنگامی که فاروق رفیق عضو انجمن موقت میدان آزادی شهر سلیمانیه و یکی از سخنگویان اعتراضات دو ماه اخیر، گفت که حکم یک ماه زندان به وی اعلام شده است، اعتراض و ناراضیاتی در میان مردم نسبت به این حکم شدت گرفت.

در همین حال تعدادی از دانشجویان محل تجمع را به منظور راهپیمایی بسوی خیابان سالم تغییر دادند که با نیروهای آسایش، پلیس و امنیت حکومت روبرو شده و ماموران حکومت بسوی آنان تیراندازی کردند. در این لحظه سمیر نوری عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چپ عراق مشغول سخنرانی در میدان آزادی بود که از سوی ماموران امنیتی بطرف اجتماع مردم در آنجا نیز تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور آغاز شد. سمیر نوری سخنرانی اش را به نقش سرکوبگرانه نیروهای حکومت اختصاص داد که با تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور و استفاده از چوب و چماق به جان مردم افتاده بودند. اما علیرغم وحشیگری نیروهای حکومت، مردم با مقامت و درگیر شدن با آنها همچنان در میدان آزادی ماندند. نیروهای مسلح حکومت از سه طرف بسوی میدان آزادی حمله کردند و با انواع سلاحها تیراندازی می کردند. بر اساس اخبار رسیده از اورژانس شهر سلیمانیه ۷ نفر بر اثر گلوله ماموران حکومت و ۵۰ نفر نیز بر اثر چوب وچماق ماموران زخمی و چند نفر نیز بازداشت شدند. انجمن موقت میدان

آزادی اعلام کرد که تظاهرات و تجمع فردا نیز همچنان ادامه خواهد داشت. ادعاهای پوچ و دروغین سران حکومت، از طالبانی و بارزانی گرفته تا رئیس حکومت و پارلمان کردستان برای چندمین بار نشان داد که اینها پاسخی جز سرکوب مردم آزادیخواه کردستان ندارند. گسیل نیروهای پلیس و سرکوبگر حکومت به میدان آزادی شهر سلیمانیه و دیگر میادین شهرهای کردستان، ناشی از استیصال و درماندگی احزاب حاکم در پاسخگویی به خواستههای عادلانه مردم کردستان است. کمیته کردستان حزب برای چندمین بار این اعمال سرکوبگرانه حکومت اقلیم کردستان را محکوم می کند و خود را همگام با حرکت اعتراضی و آزادیخواهانه مردم شهرهای کردستان عراق برای رسیدن به خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان می داند. مردم آزادیخواه و برابری طلب شهر سلیمانیه در شصتیمین روز از حرکت اعتراضی خود با استقامت و پایداری کم نظیری تا کنون توانسته اند برای تحقق خواستههای خود همراه با مردم دیگر شهرهای کردستان همچنان در میدان آزادی و خیابانهای شهر سلیمانیه اعلام کنند که این حکومت نمی تواند پاسخگویی خواستههای مردم باشد. اوضاع سیاسی و حرکت اعتراضی دو ماه اخیر مردم شهرهای کردستان عراق حقیقت است که حاکمان ناسیونالیست کرد دیگر جایی در میان مردم ندارند. حکومتی که نمیتواند به خواست مردم پاسخگو باشد باید برود. ما همچنان از خواست و مطالبات مردم شهرهای کردستان عراق حمایت می کنیم، خواستار محاکمه همه آمران و عاملان تیراندازی به مردم هستیم. دستگیر شدگان تظاهراتهای اخیر و همه زندانیان سیاسی باید فوراً بدون قید و شرط آزاد شوند. از همگان می خواهیم که از اعتراض و مبارزه مردم شهرهای کردستان عراق حمایت کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آوریل ۲۰۱۱ - ۲۸ فوروردین ۱۳۹۰

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

ابقای وزیر اطلاعات ...

از صفحه ۱

مصباح یزدی که از حامیان دولت بود اعلام کرد: "جریان نفوذی در دولت بزرگترین خطری است که در ۱۴۰۰ سال گذشته اسلام را تهدید کرده است." دار و دسته احمدی نژاد هم بیکار نشست. هر چند بعضی از سایت های تحت کنترل مشائی فیلتر و از دسترس خارج شدند ولی سایت هایی نظیر دولتیار و محرمانه نیوز نامه خامنه ای را "توصیه آمیز" اعلام کردند. سایت دولتیار در مقاله ای با عنوان "بترسید از روزی که دکتر مهر از دهان بردارد" هشدار داد که: "اگر موج تخریب دولت به همین شکل ادامه یابد و اعتراضات به اصطلاح رسانه ای به اغتشاشات خیابانی تبدیل شود و لات ها و شعبان بی مخ ها به سمت خیابان پاسنور حرکت کنند، طولی نخواهد کشید کشور به عرصه زد و خوردهای خونین و بی قاعده تبدیل خواهد شد." و مخالفان احمدی نژاد را تهدید کرد که: "خود را به ورطه نابودی گروههای معاند قبلی نیندازید. کاری نکنید دکتر مهر را از دهان بردارد که اگر چنین شود با مردم خشمگینی طرف خواهید بود که فتنه شما را در نیمی از روز جمع خواهند کرد اگر مردم عمق فساد و جنایات برخی ها را بدانند مطمئن باشید کاخ های شما را یکی بعد از دیگری فرو خواهند ریخت." این يك اعلام جنگ تمام عیار است و این خط و نشان کشیدن ها عمق اختلافات و هراس جناحهای رژیم از یکدیگر را بخوبی نشان می دهد. وزارت اطلاعات که از سال ۱۳۶۲ تاسیس شد، همواره زیر نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی بوده است. اسناد فاش شده از این وزارتخانه نشان می دهد که نه تنها در شناسایی و سرکوب مبارزات آزادیخواهانه مردم، تشکل های کارگری و گروههای سیاسی نقش مهمی داشته است بلکه یک وظیفه مهم آن جاسوسی و نظارت بر اعمال و حرکات وابستگان به نظام و حتی نزدیکترین همکاران رژیم بوده است. از اینرو تسلط بر وزارت اطلاعات همواره يك حربه مهم در جنگ بین جناحهای رژیم بوده است. خامنه ای بعضی کارهای احمدی نژاد از قبیل برکناری وزیر خارجه و وزیر کشور را با غرولند پذیرفت. برکناری وزیر قبلی اطلاعات و گذاشتن مصلحی بجای او را هم قبول

کرد ولی با ادامه این روند متوجه شد که زیر پای خودش دارد خالی میشود و اتوریته اش رنگ میبازد. او نشان داد که به احمدی نژاد اعتماد ندارد و حاضر نیست وزارت اطلاعات را در اختیار او بگذارد و بلافاصله در مقابل اقدام اخیر احمدی نژاد واکنش نشان داد. حیدر مصلحی سالها نماینده خمینی و خامنه ای در ارگانهای سرکوب و غارت رژیم از قبیل کمیته ها و سپاه و سازمان اوقاف بوده است. به گفته احمد توکلی احمدی نژاد قبلا هم سعی کرد که مصلحی را برکنار کند اما با مخالفت خامنه ای روبرو شد. سایت باکری آنلاین متعلق به رحیم مشائی بخشی از اختلافات احمدی نژاد و وزیر اطلاعاتش را علنی کرد. پرداختن به عملیات پلیسی بجای عملیات اطلاعاتی، جابجایی های بیش از اندازه در وزارت اطلاعات، عدم اجرای دستور احمدی نژاد در پرونده های مالی، ضعف دستگاه امنیتی کشور و نداشتن اطلاعات راجع به حوادث اخیر منطقه، عزل برخی از معاونین وزارتخانه که از نیروهای با سابقه و قدیمی وزارت اطلاعات بوده اند و عدم اعتماد مصلحی به بدنه وزارت اطلاعات و به کارگیری عناصر سپاه در وزارت اطلاعات از جمله این موارد ذکر شده است.

اختلاف و رقابت بین سپاه پاسداران که سازمان اطلاعات خود را دارد و وزارت اطلاعات در طول سالها بخصوص در طول حکومت دولت اصلاح طلبان برای رژیم مشکل ساز بوده است. احمدی نژاد پس از برکناری اژدهای وزارت اطلاعات را به حسین طائب که از فرماندهان اطلاعات سپاه و بسیج و از دستیاران نزدیک خامنه ای است، پیشنهاد کرد تا بتواند همکاری سازمان اطلاعات سپاه را هم در دولت خود داشته باشد اما طائب آن را نپذیرفت و مصلحی وظیفه هماهنگی و نزدیکی بین این دو ارگان جنایتکار رژیم را بعهد گرفت اما با وجود داشتن مقام وزارت در دولت احمدی نژاد، دستورات خود را از خامنه ای می گرفت و حتی استعفای خود از دولت را بطور همزمان برای خامنه ای هم ارسال نمود.

پس از ابقای وزیر اطلاعات رژیم در مقام خود توسط خامنه ای، دولت احمدی نژاد در ضعیف ترین موقعیت خود قرار گرفته است. دولت او که

اتکای خود را به حامی و نقطه اتکاء اصلی خود در مقابل جناحهای دیگر نظام از دست داده است، نمی تواند در مقابل خشم و نفرت روز افزون مردم و بحران عظیم اقتصادی و سیاسی، دوام چندانی داشته باشد. قربانی کردن با حاشیه ای کردن دار و دسته احمدی نژاد می تواند يك راه نجات هر چند موقت، برای رژیم تلقی شود. با این امید که بتوانند آبی روی آتششان اعتراضات مردم بریزند همه کاسه کوزه ها را بر سر آنها بشکنند و جمهوری اسلامی انتخابات آتی مجلس را بتوانند بدون جدال برگزار کنند. اما کنار گذاشتن دولتی که تا چند روز پیش آترا هدیه امام زمان می دانستند، ساده نیست. اینکار می تواند جنگی را که آغاز شده است به يك جنگ و کشاکش تمام عیار دیگر تبدیل کند و فرجه ای دیگر برای مردم در جهت سرنگون کردن کل حکومت ایجاد کند. آنهم در زمانی که اعتراضات کارگری گسترش پیدا کرده است. باند احمدی نژاد هم این نقطه

دوران حکومت طوایف و ...

از صفحه ۶

از سوی دیگر بر بستر اوضاع سیاسی و مبارزات توده ای مردم در کردستان عراق، احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران که در کردستان عراق مستقر هستند با قرار گرفتن در کنار حکومت، با محکوم کردن اعتراضات مردم و بعضا با سکوت خود، آبرویخته تر از هر دورانی ظاهر شدند. تاریخ تلاش چند دهه احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران نیز این بود که کپی حکومت سرکوبگر و سرپای فساد طالبانی و بارزانی را برای مردم در کردستان ایران به ارمان بیاورند. کارنامه ۲۰ ساله احزاب ناسیونالیست کرد حاکم بر کردستان عراق بویژه اعمال سرکوبگرانه دو ماه اخیر آنان باید آنگذر گویا و شفاف بوده باشد که کسانی را که در صفوف احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران هستند را متقاعد کرده باشد که نسخه و افق این احزاب نیز چیزی جز افق و اهداف گنبدیده حکومت طالبانی و بارزانی برای کردستان ایران نبوده است.

دفاع احزاب و جریانات کردستان ایران از حکومت سرکوبگر طالبانی و بارزانی و محکوم کردن اعتراض و مبارزه مردم علیه سران حکومت و دم

ضعف طرف مقابل و همچنین توحش آترا می شناسد و تلاش می کند خود را رام و مطیع رهبری نشان دهد و با استفاده از منابع مالی و دستجات اوباشی که در اختیار دارد، موقعیت خود را مستحکم کرده و انتخابات آتی مجلس اسلامی را به نفع خود پایان دهد. اما در آنصورت هم باید انتظار يك جدال خونین برای يك دست کردن قدرت در درون نظام را داشت. امید توافق و آشتی بین باند های درون حکومت جمهوری اسلامی بیهوده ه است. بازی موش گریه در درون نظام جمهوری اسلامی، بازیکنان تازه ای پیدا کرده است. اما این بازی نمی تواند مدت درازی ادامه داشته باشد. وحشت و هراس بازیکنان را از یکدیگر بوضوح می توان دید. پایه این نزاعها و جناح بندیها که هرروز در جای تازه ای سرباز میکند، فضای انقلابی و سرنگونی طلبی در جامعه است و روند بعدی این کشاکش را هم همین فضا و اعتراضات تعیین خواهد کرد. *

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

جمعه ۲۲ آوریل روز اعتراض سراسری علیه اعداها و برای آزادی زندانیان سیاسی، متحدانه بمیدان بیائیم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - کانادا
 زمان: روز جمعه ۲۲ آوریل از ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر...
 مکان: مقابل پارلمان اتاوا
 شماره تلفن: (داود آرام)
 0016138597929

شنبه ۲۳ آوریل از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر
فرز: اسلو
 تظاهرات جمعه ۲۲ آوریل ساعت ۲ بعد از ظهر در محل سفارت رژیم اسلامی
 Saber Rahimi
rahimi37@yahoo.com

کانادا: تورنتو
 جمعه ۲۲ آوریل، از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر، مکان: تقاطع خیابان یانگ و داناس (میدان داناس)
 تلفن تماس: ۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

کانادا: اتاوا

سوئد: گوتنبرگ
 تظاهرات در مرکز شهر گوتنبرگ در برونزیارکن از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ برگزار می شود.
 تلفن تماس: ۰۷۳۶۴۸۵۱۱۷

سوئد: استکهلم
 تظاهرات در مقابل پارلمان سوئد

زمان: جمعه ۲۲ آوریل از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر
 مکان: استکهلم - میدان مینت توریت (myntorget)
 تلفن تماس: ۰۷۰۷۴۳۲۵۴۷

انگلیس: لندن
 تظاهرات در مرکز لندن، میدان ترافالگار

در اعتراض به ماشین جنایت جمهوری اسلامی، برای نجات شیرکو معارفی و محکومین به اعدام، ۲۲ آوریل روز اعتراض

تظاهرات میکنیم و از مردم در دنیا میخواهیم که به یاری مردم ایران شتافته و دولت‌های اروپایی و همه دولت‌ها را تحت فشار بگذارند که روابط دیپلماتیک و سیاسی با این جانیان را قطع کنند. سفارت خانه های حکومت اسلامی را ببندند و جایگزینان اسلامی را از مجامع بین المللی اخراج و منزوی کنند. حکومت اسلامی ایران حکومت جنایت و قتل و خونریزی است و باید فوراً سرنگون شود.

که از ترس شورش و انقلاب مردم، به خونریزی بیشتری دست میزنند و برای پس راندن مردم معترض احکام اعدام بیشتری صادر میکنند.

هم اکنون سخن از خطر اعدام دسته جمعی بیش از صد نفر در زندان اصفهان است. حکومت اسلامی ایران از وحشت اعتراض کارگران و مردم در روز جهانی کارگر در اول ماه مه، از حالا اعلام کرده است که شیرکو معارفی فعال سیاسی را در این روز خواهد کشت.

برای اعتراض به این جانیان وحشی و انسان کش، برای مقابله با اعدام‌های بیشتر و برای اینکه دیگر جرات نکنند عزیزان ما را در زندان زجر کش کنند، همه باهم روز ۲۲ آوریل به خیابان میرویم و در مراکز شهرها و یا در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی ایران،

متحدانه و در همه جا به خیابان میرویم و صدای اعتراض خود علیه حکومت اسلامی ایران را بلندتر می کنیم.

۲۲ آوریل روز اعتراض سراسری به ماشین جنایت حکومت اسلامی

با ما به خیابان بیایید و صدای اعتراض خود علیه اعدام و جنایات حکومت اسلامی را بلندتر کنید!

جمهوری اسلامی ایران با جنایت سرپا مانده و با خونریزی نفس میکشد و ادامه حیات میدهد.

روزی نیست که خیر محکومیت به اعدام نشویم و روزی نیست که خبر جان باختن يك فعال سیاسی و یا خبر اعدام‌های دسته جمعی جوانان را نشویم.

این حکومت اسلامی ایران است

با ما به خیابان بیایید و همصدا و همراه با ما اعلام کنید نه به اعدام، نه به جنایت، نه به حکومت اسلامی ایران
 کمیته بین المللی علیه اعدام
 ۱۰ آوریل ۲۰۱۱
minaahadi@aol.com
 00491775692413

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتراضات مردم و از وحشت انقلاب و سرنگونی، شمشیر اعدام را بالای سر جامعه نگه داشته است. هر از چندی، عدای را اعدام میکند و اکنون اعلام کرده اند که، شیرکو معارفی را در اول ماه مه روز جهانی کارگر اعدام خواهند کرد. همچنین خبری دال بر احتمال اعدام حبیب لطیفی یکی دیگر از زندانیان سیاسی پخش شده است و گفته میشود قرار است بیش از صد نفر نیز در اصفهان اعدام شوند.

این درحالیست که هم اکنون منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، غلامرضا غلامحسینی از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و رضا رخشان رییس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک هم اکنون در زندانند. منصور اسانلو در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد و بنا بر اخبار

جمهوری اسلامی در آستانه اول مه اعدام‌ها را شدت میدهد. احضار و تهدید بر روی فعالین کارگری و تشکلهایشان را شدت میدهد. اقدام قدرتمند ما در ۲۲ آوریل پیشگیری از این جنایتها و فشارها نیز خواهد بود. بویژه حتما اطلاع دارید که هم اکنون هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر در جنوب ایران در اعتراض به قراردادهای موقت خود از طریق پیمانکاران، و سطح نازل دستمزدها و دستمزدهای پرداخت نشده و زندگی چندین برابر زیر خط فقرشان در اعتراض بسر میبرند.

حمایت شما از کارگران زندانی، حمایت شما از مبارزات کارگران ایران، يك پشتیبانی بزرگ برای مبارزات این کارگران در آستانه اول مه است. امروز کارگران و مردم ایران به بیشترین حمایت و همبستگی جهانی نیز دارند. در ۲۲ آوریل کنار ما باشید.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
 کمپین برای آزادی کارگران زندانی
 ۲۷ فروردین ۹۰، ۱۶ آوریل ۲۰۱۱

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
 account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
 Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
 Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
 Shomare hesab: 15 13 50 248
 Adres: EINDHOVEN
 IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
 277 G Street, Blaine, Wa 98230
 phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
 Account number : 99 - 41581083
 wire: ABA routing # 026009593
 swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
 sort code: 60-24-23, account holder: WPI
 , Bank: NatWest branch: Wood Green
 81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
 NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

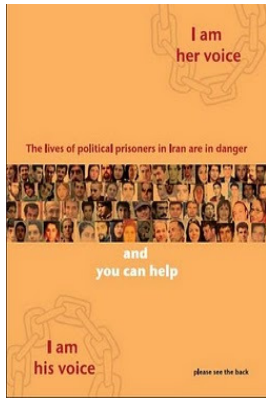
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
 کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
 مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
 از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com
 00447779898968
bahram.soroush@gmail.com
 0044-7852 338334

شاهلا دانشفر

بهرام سروش



اعلام میکنیم:

زندانیان سیاسی باید بلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد گردند.

اعدامها باید فوراً متوقف شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۰ آوریل ۲۰۱۱، ۳۱ فروردین ۱۳۹۰

دانشجویان دانشگاه تهران درود می فرستد و دانشجویان سراسر ایران را فرا می خواند در حمایت از دانشجویان تهران و در مقابل اجرای طرح های ارتجاعی اسلامی، تبدیل دانشگاه ها به قبرستان و جداسازی جنسیتی و فعالیت گروه های اوباش و اراذل اسلامی مانند کمیته های انضباطی و حراست در هر دانشگاه و مدرسه ای اعتراض کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی زنده باد سوسیالیسم سازمان جوانان کمونیست ۳۰ فروردین ۱۳۹۰، ۱۹ آوریل ۲۰۱۱

چشمشان به اقدامات بین المللی ماست.

شما میتوانید در این روز در اشکال متنوع از زندانیان سیاسی در ایران حمایت کنید:

برپایی تظاهرات در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی؛

ارسال نامه اعتراضی به رژیم و نامه به سازمانهای بشردوستان؛

برگزاری شب همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران؛

فشار به دولت کشورهای محل اقامتتان برای واکنش نشان دادن به جنایات رژیم و محکوم کردن آن؛

افشای رابطه با جنایات رژیم و آگاهگری در میان مردم کشور محل اقامتتان؛

با دهها ابتکار دیگر شما میتوانید روز بیستم ژوئن را با قدرت هر چه بیشتر برگزار نمایید!

در بیستم ژوئن امسال یکبار دیگر

مخالفت با دخالت قوانین اسلامی در زندگی مردم و همچنین موج اعتراضات مردم به رژیم اسلامی را مهار کنند. جوانان و مردان و زنان اعلام کرده اند به هیچ گونه دخالت مذهب و قوانین مذهبی در زندگی شان رضایت نخواهند داد، این را با شعارهای "حکومت اسلامی نمی خواهیم" و "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه" اعلام کرده و می دانند تنها با سرنگونی کلیت رژیم اسلامی ست که می توان از شر دخالت مذهب در زندگی شان خلاص شوند.

سازمان جوانان کمونیست به

بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی است!

تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد گردند!

جهان متمدن را برای پشتیبانی از خواست آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران بسیج کند! واکنشی بین المللی نسبت به خطرات جدی که جان عزیزان ما را در زندانهای جمهوری اسلامی تهدید می کند، ایجاد نماید. بیستم ژوئن درعین حال سمبل اتحاد و عهد و پیمان ما برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و پایان کشیدن چوبه های دار است!

مبارزات زندانیان سیاسی در سياهچالهای مخوف اوین و رجایی شهر و همه زندانهای بشمار جمهوری اسلامی حماسه ای عظیم است. این مبارزات شورانگیز لایق بزرگترین حمایت های و پشتیبانی های بین المللی است! هزاران زندانی سیاسی و خانواده های مضطرب و نگران شان

شایسته خودشان نشان دادند! همچنین مسئولین حراست کارت دانشجویی تعدادی از دختران دانشجویان ضبط کرده و تعدادی از پسران را به حراست منتقل کردند.

جمهوری اسلامی برای مقابله با موج اسلام ستیزی و مقابله جوانان و زنان با قوانین اسلامی به دست و پا افتاده و طرح های پوسیده و شکست خورده اش را مذبوحانه تکرار می کند. سران جمهوری اسلامی فکر می کنند با طرح جداسازی جنسیتی و حذف دروس علوم انسانی و با سختگیری های این چنینی می توانند موج

جهانیان باید زجرنامه هزاران زندانی سیاسی را در طی عمر پرنکبت جمهوری اسلامی بشنوند و از حقایق هولناک این حکومت آدمکش با خبر شوند. این صدای رسای ماست که جهانیان را، میلیونها انسان شریف و نعدوست را درکنار ما قرار میدهد تا امر دفاع فوری و اضطراری از هزاران زندانی سیاسی و صدها عزیز که هر آن چوبه دار زندگیشان را تهدید میکند را میسر کند. یورش و گروگان گیری دایمی از میان مخالفان سیاسی، رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی، اخبار هولناک اعدامهای دستجمعی، کسب و کار هر روزه این حکومت است.

بیستم ژوئن فقط یکروز نیست! یک کمپین وسیع برای سازمان دادن جنبشی اعتراضی است که میخواهد

بیستم ژوئن روز عهد و پیمان دوباره ما برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و خاتمه دادن به دستگاه جنون و جنایت جمهوری اسلامی است!

مردم، آزادیخواهان، انسانهای شریف؛ جهانیان باید بدانند که این حکومت با جنایت و کشتار پابرجاست! باید بدانند که جمهوری اسلامی با چوبه دار و کشتار و شکنجه و زندان متولد شده است و با خونریزی ادامه حیات میدهد! باید با خبر شوند که این حکومت از وحشت انقلاب و خیزش و قیام مردم حاضر است دست به هر جنایتی بزند تا ساعتی بر عمر کثیف خود بیفزاید! این حکومتی درنده است که در پرونده فردی و جمعی حاکمینش صدها فقره قتل عمد خوابیده است!

دانشجویان دانشگاه تهران طرح جداسازی

جنسیتی را در هم شکستند

چنین طرح هایی به صورت مختلط سوار اتوبوس ها شدند. دانشجویان دانشگاه تهران اعلام کرده اند در صورتیکه چنین طرح های توهین آمیزی ملغا نگردد به اعتراض خود ادامه خواهند داد و تسلیم عقب ماندگی و ارتجاع حاکم نخواهند شد. مسئولین حراست دانشگاه خسروی و جوادی به میان دانشجویان رفته و از دانشجویان فیلم برداری کردند و در مقابل اعتراض دانشجویان رفتاری

روز ۲۹ فروردین دانشجویان دانشگاه تهران به طرح تفکیک جنسیتی اعتراض کردند. در ادامه طرح های ارتجاعی رژیم اسلامی برای اسلامی کردن دانشگاه ها مسئولین دانشگاه تهران تصمیم گرفته اند سرویس های دانشگاه را بر اساس جنسیت تفکیک کنند. صدها تن از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به این اقدام ارتجاعی تجمعی اعتراضی برپا کردند و همچنین به منظور در هم شکستن

ناامنی محیط کار جان و زندگی خانواده های کارگری را نیز تهدید می کند

کارفرما در نا امن قرار دادن محیط کار، قربانی منفعت پرستی سرمایه و سرمایه داران نشود. این واقعه بخوبی گویای این حقیقت است که نا امنی محیط کار، عدم تامین بیمه اجتماعی و حوادث، علاوه بر کارگر، جان و زندگی همسر و فرزندان و خانواده های کارگری را نیز با خطر مرگ و خودکشی مواجه می سازد. به این شرایط برده وار باید اعتراض کرد. تنها با سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه داران و برقراری جامعه ای انسانی است که امنیت به محیط کار و زندگی کارگر و خانواده های کارگری باز میگردد.

منبع خبر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ۱۹ آوریل ۲۰۱۱ - ۳۰ فروردین ۹۰

امکان تامین زندگی و نبودن بیمه تامین اجتماعی و حوادث کاری همسرش، دست به خودکشی می زند که متاسفانه جان خود و بچه ای را که در شکم داشته است می گیرد.

نا امنی محیط کار تنها قاتل کارگران نیست بلکه جان همسر و جنین چند ماهه در شکم او را نیز می گیرد. بانی و مسبب کشته شدن این سه انسان، مناسبات حاکم، سودجویی دولت و مشتتی انگل سرمایه دار است که به علت منفعت پرستی شان کوچکترین توجهی به محیط نا امن کار نمی کنند و جان انسان برایشان پیشی ارزش ندارد.

نا امنی محیط کار دانما کارگران را در معرض خطرات جانی، نقص عضو و دیگر خطرات محیط کار قرار داده است. روزی نیست که کارگری بخاطر سودجویی دولت و

در شماره ۵۶۶ ایسکرا خبر کشته شدن یک کارگر ساختمانی در شهرستان دیواندره را به اطلاع رساندیم.

در این خبر آمده بود که:

روز سه شنبه ۲۳ فروردین یک کارگر ساختمانی بنام فاروق مصطفایی ۳۱ ساله ساکن روستای "دالان" هنگام کندن پایه دیوار در ساختمانی در شهرستان دیواندره، با فرو ریختن دیوار بر سرش متاسفانه در دم جان خود را از دست داد. فاروق مصطفایی دارای همسر بوده و هیچگونه بیمه تامین اجتماعی و یا حوادث ندارد.

بنا به خبری که در همین رابطه به ما رسیده است اطلاع یافتیم که روز دوشنبه ۲۹ فروردین همسر فاروق مصطفایی با وجود اینکه حامله بوده است بدلیل یاس و نا امید و عدم

دانشجویان دانشگاه آزاد با شعار مرگ بردیکتاتور در

جلسه مشاور فرمانده سپاه پاسداران

دانشجویان دانشگاه آزاد تهران شمال به حضور صفار هرنی مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران اعتراض کردند. صفار هرنی که برای سخنرانی و به دعوت بسیج دانشگاه تهران شمال به این دانشگاه رفته بود با سولات دانشجویان و شعارهای مرگ بر دیکتاتور پذیرایی شد!

صفار هرنی که سابقه وزار ارشاد دولت احمدی نژاد را دارد در دانشگاه های قزوین و تبریز نیز با اعتراض دانشجویان مواجه شده بود و دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر نیز با پرتاب لنگه کفش از او پذیرایی کرده بودند. جمهوری اسلامی علیرغم همه جنایات و سرکوبگری ها و حزب الله چرخانی هایش در دانشگاه و

خیابان همچنان نتوانسته است دانشگاه ها را برای جولان دادن مقاماتش امن کند. نباید اجازه دهیم جنایتکاران و فاشیست ها به دانشگاه راه یابند و سفره سرکوبگری شان را در دانشگاه ها پهن کنند. حضور هر مامور و مزدور حکومتی و اوباش اسلامی مساوی ست با از بین رفتن فضای امن برای دانشجویان و جوانان. تنها با اعتراض یکپارچه و گسترده می توان از شر حضور قاتلان و دزدان در دانشگاه ها خلاص شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری سازمان جوانان کمونیست ۳۰ فروردین ۱۳۹۰، ۹ آوریل ۲۰۱۱

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اول مه، ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر: اینک نوبت ماست که فرامیرسد!



مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ فروردین ۱۳۸۹، ۱۴ آوریل ۲۰۱۱

کره زیبای زمین و عزت انسانی خود
را که زیر چکمه های شما لگدکوب
میشود پس بگیریم.
آزادی، برابری، حکومت کارگری

بیابید امسال این قدرت عظیم را تا میتوانیم گسترده تر به میدان آوریم. علیه گرانی و فقر و فلاکتی که گریبان اکثریت جامعه را گرفته است. علیه بی حقوقی و سرکوب و اختناق و دیکتاتوری. برای آزادی همه زندانیان سیاسی و الغاء اعدام و شکنجه. برای گردآوری بیشترین قوا علیه جمهوری اسلامی. برای پایان دادن به نظام مرده و پوسیده ای که زندگان را نابود میکند. برابری و برابری و آزادی، برای رفع تبعیض و حاکمیت حرمت انسانی. برای همان چیزهایی که اساس اول مه است.

چه در ایران و چه در هر جای دیگر دنیا باید در اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت با تمام قوا به میدان آمد و فریاد زد: دیگر بس است فقر و نابرابری! دیگر بس است تبعیض و بی حقوقی! دیگر بس است سرکوب و دیکتاتوری! دیگر بس است حکومت مذهبی و حاکمیت هر جهل و خرافه ای! دیگر بس است جمهوری اسلامی! دیگر بس است حاکمیت سرمایه و بردگی مزدی! باید همه جا فریاد برآورد که: ما آمده ایم تا این

اول مه روز اتحاد و بمیدان آمدن کارگران جهان، روز امید و الهام بخش توده های عظیم مردمی است که دنیای دیگری میخواهند. از مبارزه برای "روز کار ۸ ساعته" و سایر مطالبات رفاهی تا جدال برای کسب حقوق سیاسی و مدنی و تا نمایش های قدرت برای پایین کشیدن دیکتاتورها و قاتلین، در تاریخ اول ماه مه ثبت است. این روز تلاش بشریت معاصر برای بدست گرفتن اختیار، در ایران نیز با مبارزه برای رهایی گره خورده است. از اول ماه مه ۵۸ که صدها هزار نفر در تهران و بسیاری شهرها رژه رفتند و اوباش اسلامی را به وحشت انداختند، تا اول ماه ۸۸ که اجتماع کارگران و آزادیخواهان با هجوم سراسیمه حکومت رویرو شد و در واقع شیپور از راه رسیدن انقلابی عظیم علیه جمهوری اسلامی را مینواخت، تنها جلوه هایی هستند از قدرت و ظرفیت بالقوه ای که اول مه در خود نهفته دارد.

در برنامه های اول مه شرکت کنید:

سازمان "هیچکس غیر قانونی نیست" اعتراض خود را به خیابانهای تورنتو می کشانیم. زمان: یکشنبه اول مه، ساعت ۱۲ ظهر به بعد، مکان:

Parkdale
North of Queen St. W,
on Sorauen Ave.

تلفن تماس: ۴۱۶۸۵۸۹۸۳۱

wpicanda@yahoo.com

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا

زندانی و در گرامیداشت اول مه و برای آزادی کارگران زندانی و خواسته های برحق کارگران به صف ما در تظاهرات با س ژت پیوندید

یدی کوهی از فرانسه
لیست تظاهرات های اول مه در کشورهای دیگر متعاقبا اعلام خواهد شد.

کانادا: تورنتو

برای گرامیداشت اول مه،
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد شرق کانادا، همراه با هزاران نفر از مردم تورنتو و سازمانهای مدافع حقوق انسان و بویژه

شرکت کرده تا هر چه بیشتر حکومت اسلامی ضد کارگر و ضد انسانی را در انظار مردم افشا و رسواتر کنیم.
Saber Rahimi
rahimi37@yahoo.com
0047-98 69 40 01

آلمان: فرانکفورت

- برپایی چادر و میز کتاب در محل اصلی مراسم اول ماه مه در میدان رومر همراه با تابلویی از وضعیت کارگران در ایران. از جمله اطلاعات و عکس هایی از محرومیت کارگران ایران از حق تشکیل، مساله پرداخت نکرده دستمزدها و مبارزات کارگران، سطح پایین دستمزدها در ایران و دستگیری ها و عکس هایی از کارگران زندانی

فرانسه:

به ایرانیان ساکن لیون و حومه فراخوان به تظاهرات اول ماه مه روز جهانی کارگر

به فراخوان کمپین برای کارگران

کارگران ایران و کارگران زندانی تلاش در جلب حمایت و همبستگی بیشتر با جنبش کارگری در ایران خواهیم داشت.

تجمع روز اول ماه مه ساعت ۱۱ صبح در میدان
Möllevångstorg

سپس راهپیمایی به طرف پارک مقابل کتابخانه مرکزی
Slottsparken

استرالیا: سیدنی

زمان: یکشنبه اول مه
ساعت ۱۲ ظهر
مکان: پارک هایدر در سیتی
ارسلان ناظری

نروژ: اسلو

تجمع و میتینگ در یونگستورگت و سپس راهپیمایی در خیابانهای مرکزی شهر.

غرفه اطلاعاتی و نمایشگاه عکس حزب کمونیست کارگری از ساعت ۱۰ صبح در یونگستورگت.

ما همه مخالفین جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم که همراه با ما در تجمع و راهپیمایی روز جهانی کارگر

سوئد: گوتنبرگ

شرکت در مارش بزرگ اول مه و به همراه آن چادر اطلاعاتی، نمایشگاه عکس، اطلاعیه های مربوط به مبارزات کارگران در میدان
Jarmtorget، از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۱۴

سوئد: استکهلم

ساعت ۱۲ همراه با احزاب چپ و کمونیست در میدان
medborgarplatsen

ساعت ۱۳ راهپیمایی به طرف میدان
kungsträdgården

و در میدان
kungsträdgården
میز کتاب حزب را خواهیم داشت

در تجمعات اول مه اطلاعیه های اول مه حزب را بطور وسیع پخش خواهیم کرد.

سوئد: مالمو

ما در مالمو با در دست داشتن باندرولهایی در حمایت از کارگران ایران در تجمع و راهپیمایی این روز شرکت می کنیم. و با گذاشتن میز اطلاعاتی در مورد مطالبات



زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

اطلاعیه شماره ۸

کارگران پتروشیمی های ماهشهر به پیروزی بزرگی دست یافتند

سرانجام پس از ۱۱ روز اعتصاب و تجمعات اعتراضی در پتروشیمی بندر امام در ماهشهر، کارگران به بخشی از مطالبات خود دست یافتند و از روز چهارشنبه ۳۱ فروردین به سر کار خود بازگشتند. طبق توافقی که روز ۳۰ فروردین میان کارگران با ظریف کار مدیر عامل شرکت و نماینده مجلس اسلامی در ماهشهر به عمل آمد، کارگران پیمانی مشمول برخی مزایای کارگران رسمی شدند و خواست اصلی آنها که برچیدن بساط شرکت های پیمانکار و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما بود قرار شد ظرف سه ماه متحقق شود. توافق کتبی شده و به امضای نمایندگان

کارگران و مدیر عامل و نماینده جمهوری اسلامی رسیده است. توافقنامه کم و بیش مشابهی روز قبل از آن با کارگران پتروشیمی امیرکبیر منعقد شد. مواردی که مورد توافق طرفین قرار گرفت از جمله شامل: پرداخت بدی آب و هوا به کارگران پیمانی به اندازه کارگران رسمی، استفاده از امکانات رفاهی از جمله استفاده از مجموعه ورزشی، خدمات پروازی هواپیما، رستوران و خدمات فرهنگی و سایر موارد همانند پرسنل رسمی، پرداخت کامل حقوق ایام اعتصاب، پرداخت هزینه سفر نمایندگان از ماهشهر به تهران جهت پیگیری قرارداد مستقیم با

کارفرما و موارد دیگری که قرار است طی مذاکره میان نمایندگان کارگران و مدیریت شرکت روشن شود. همچنین طبق این توافقات مسئولین شرکت حق اخراج هیچ کارگری را نخواهند داشت و بعلاوه مدیریت پتروشیمی ظرف سه ماه مراحل مربوط به برچیده شدن شرکت های پیمانکاری را انجام میدهد و ظرف سه ماه کارگران مستقیماً با خود پتروشیمی قرارداد خواهند بست.

بدنبال این توافقات، کارگران پتروشیمی روز ۳۱ فروردین با احساس پیروزی و موفقیت به سر کار بازگشتند و این موفقیت را مدیون اتحاد، همبستگی و پافشاری بر

خواسته های بحق خود میدانند. حزب کمونیست کارگری این پیروزی را به هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر تبریک میگوید و همچنان بر اتحاد هرچه بیشتر کارگران مجموعه پتروشیمی ها تأکید میکند. اتحاد و همبستگی کارگران تشکیل مجامع عمومی و ارتباط تنگاتنگ نمایندگان کارگران مجموعه پتروشیمی ها با یکدیگر، ضامن اجرای توافقات و بویژه برچیدن کامل بساط پیمانکاران و قرارداد مستقیم و جمعی با کارفرما خواهد بود.

اعتصاب شکوهمند و قدرتمند کارگران پتروشیمی های ماهشهر، که یکی از مهمترین و بزرگترین اعتصابات کارگری در دو دهه گذشته محسوب میشود، راه را بر کل طبقه کارگر برای پایان دادن به بساط

پیمانکاران که یک دلیل شرایط برده وار کار است باز کرد. وقت آن است که کارگران مراکز مختلف کارگری، معلمان و پرستاران و کارمندان زحمتکش در سراسر کشور با تمام قوا حول خواست پایان دادن به شرکت های پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و رسمی با کارفرماها و دولت و حول سایر خواسته های جمله پرداخت فوری حقوق های معوقه، افزایش دستمزد و جمع کردن بساط حراست در مراکز کار متحدانه به میدان آیند و خواست های بحق خود را به دولت و کارفرماها تحمیل کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ دیهشت ۱۳۹۰، ۲۰ آوریل ۲۰۱۱

گزارشی از یک جدال...

منطق و آماده کتک کاری و حمله، خصلت نمای جریاناتی بود که با تهدید و خشونت و اعدام و سنگسار نفس میکشند. در میتینگ اسلامیها به مخالفین فحاشی میکردند و آنها را "کمونیستهای کثیف"، "یهودیان" یا "تن فروشان" نامیده و تهدید میکردند. در میتینگ ما در مورد جنایات سازمانها و دولتهای اسلامی صحبت میشد و اینکه ما در مورد یک جنبش وحشی و ضد انسانی حرف میزنیم که با جنایت و خون و زن ستیزی و اعدام و سنگسار سرپا مانده است و اینجا نیز میخواید با تهدید به مرگ و فحاشی و لجن پراکنی و لمپنیزم رشد کند و امتیاز بگیرد. در میتینگ ما سخنرانان از سازمانهای آنتی فاشیست و اومانیست و مدافع سکولاریسم بودند که همگی علیه جنبش اسلامی و دخالت مذهب در زندگی مردم حرف زده و در عین حال علیه سازمانهای راسیست و فاشیست

از صفحه ۱۲

آلمانی نیز حرف میزدند. یک نکته مهم در ۲۰ آوریل برای همه باید مشخص شده باشد که ما در مورد یک معضل مهم در آلمان و در اروپا صحبت میکنیم. دست اندازی سازمانها و جنبش اسلامی به زندگی مردم در اروپا و بویژه به زندگی مردم فراری از کشورهای اسلام زده و تبعیدیانی که برای یک زندگی بهتر و آزادی و امکان نفس کشیدن به اروپا آمده اند و اینجا نیز مسجد و امام و لمپن های اسلامی دست از سر آنها بر نمیدارد. یک نکته مهمتر اما اینست که دولت آلمان و دول اروپایی با این جنبش همراهی و مماشات میکنند. دیروز در فرانکفورت نتیجه سیاست دولت آلمان را می دیدیم. دولتی که به مردم مهرمسلمان میزند سه میلیون نفر را تمیزه میکنند و دو دستی تقدیم سازمانهای اسلامی میکند. دولتی که پول مسجد ساختن میدهد و با این سازمانها کنفرانس

اسلام تشکیل میدهد. به حجاب کودکان اعتراض نمیکند و کودکان و دختران جوان را زیر دست و پای این سازمانهای ضد زن و وحشی می اندازد و همه چیز را با نسبیت فرهنگی توجیه میکند. نتیجه این سیاستها قوی تر شدن سازمانهای اسلامی و لشکرکشی آنها برای امتیاز گرفتن بیشتر است.

در فرانکفورت آلمان یک اتفاق جدید این بود که بر علیه این میتینگ اسلامیها، تعداد بیشتری و از سازمانها و نهادهای متعددی و از جمله احزاب در قدرت و احزاب اپوزیسیون از چپ تا راست اعتراض کردند. این یک اتفاق مهم و جدید در آلمان بود. مدافعین اسلامیها، طرفداران نسبیت فرهنگی و جریانات موسوم به "آنتی امپریالیستها" که قبلاً به دلیل همراهی شان با جریانات اسلامی مورد نقد شدید ما بودند، این بار در صف ما بودند و یا اگر برخی کاملاً به ما نپیوستند مثل حزب سبز آلمان، ولی در صف



شخصی و در حوزه زندگی شخصی باشد. گفتیم که ما به همراه مردم مترقی و پیشرو در آلمان خواهان آزادی بی قید و شرط بیان هستیم و برای سکولاریسم بیشتر و آزادی در آلمان فعالیت میکنیم و در این مبارزه و در اولین قدم خواهان مقابله با دست اندازی جنبش اسلامی در آلمان به زندگی مردم و بویژه زنان هستیم. یک جنبش گسترده انسانی و سکولار بطور فعال جلوی ارتجاع مذهبی و اسلامی ایستاده است و کوتاه نخواهد آمد.*

اسلامیها هم نبودند و بین ما و آنها در نقطه ای، تجمع کرده و اعتراض میکردند. ما این را به فال نیک گرفته و این را نشانه این میدانیم که یک جبهه بزرگ این بار در مقابل جنبش اسلامی ایستاد. ما در سخنرانیهای خود در فرانکفورت گفتیم که خواهان جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش پرورش هستیم، گفتیم کودک مذهب ندارد و آموزش مذهب هیچ مذهبی در مدارس مجاز نیست. گفتیم حجاب کودکان باید ممنوع شود، حجاب در محیط کار و فعالیت اجتماعی باید ممنوع شود و امری

کارگران شرکتی در پالایشگاه آبادان وارد دومین روز اعتصاب شدند

کارفرمایان و دولت و استخدام رسمی به جای کار موقت پافشاری کنند. حزب کمونیست کارگری، کارگران کلیه مراکز صنعتی را به برافراشته تر کردن این پرچم فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ فروردین ۱۳۹۰، ۲۰ آوریل ۲۰۱۱

شرکتی پالایشگاه آبادان نیز به این حرکت پیوسته اند. وقت آن است که میلیون ها کارگری که توسط شرکت های پیمانکاری به بردگی مطلق کشیده شده اند، بیخیزند و بر خواست برچیدن بساط شرکت های پیمانکاری و قرارداد مستقیم با

خواست برچیدن بساط پیمانکاران خواست کل طبقه کارگر ایران است. ده هزار کارگر پتروشیمی های ماهشهر یازده روز است در جدال قاطعانه با دولت و کارفرمایان هستند که این خواست بحق خود را به آنها تحمیل کنند و اکنون کارگران

اعتراضی امروز نیز ادامه یافت. خواست کارگران پالایشگاه آبادان لغو قرارداد با شرکت های پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم با پالایشگاه است. لازم به توضیح است که تعدادی از این کارگران از دو ماه قبل اخراج شده اند.

طبق گزارش یکی از خبرنگاران حزب کمونیست کارگری، کارگران شرکتی پالایشگاه آبادان که عمدتاً در بخش تعمیر و نگهداری پالایشگاه مشغول کار هستند، از روز ۲۹ فروردین دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. اعتصاب و تجمع

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!



حکومت پلیسی و نظامی اسد بیشتر و بیشتر می شود. فشار انقلاب و اعتراضات گسترده و سراسری می رود که کار حکومت را یکسره کند. پیروزی انقلاب مردم در سوریه که متحد طبیعی و دوست و هم پیمان استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه است، اثرات گسترده ای چه در خود سوریه و منطقه و چه در معادلات آتی قدرت و آرایش سیاسی خاورمیانه به دنبال خواهد داشت. با به زیر کشیده شدن رژیم بشار اسد، موقعیت جمهوری اسلامی بیشتر متزلزل خواهد شد. بیجهت نیست که خامنه ای و اسد در برابر انقلاب مردم یک حرف را زده و شیوه های سرکوب یکسانی را در پیش گرفته اند. پیروزی انقلاب سوریه می تواند ضربه مهلک دیگری بر پیکر اسلام سیاسی و نماینده رسمی آن جمهوری اسلامی در منطقه وارد کند.*

امنیت این شهر را برکنار نماید. مردم تجمع خود را در "میدان ساعت" برگزار می کنند که نام آن را همانند میدان معروف در قاهره به "میدان تحریر" (آزادی) تغییر داده اند. شرکت کنندگان در تجمع شعار می دادند "تجمع تا سقوط نظام ادامه دارد" و "آزادی، آزادی، آزادی". در سطح بین المللی دهها سازمان و نهاد و شخصیت های مختلف از خیزش انقلابی مردم سوریه حمایت کرده و همچنین دولت های متعددی خواهان پایان دادن به سرکوب انقلاب مردم توسط دولت سوریه شده اند. همبستگی جهانی با مبارزات مردم سوریه هر روز گسترده تر می شود. وضعیت رژیم بسیار شکننده تر گشته است. این روزها تقریباً هر روز اعتراض و تظاهراتی صدها هزار نفری در گوشه و کنار این کشور در جریان است. رژیم فقط با سرکوب و کشتار توانسته بر سر کار بماند. امید به پیروزی انقلاب و به زیر کشیدن

دخالت احزاب و جریان های اسلامی و بویژه حزب الله به میدان آمده و شعار "نه حزب الله و نه ایران" را سر دادند. این شعار بیانگر درجه بالایی از آگاهی و چپ بودن اعتراضات است که بدرست خطر جریان های اسلامی را دیده و در بطن انقلاب جاری به مرزبندی با این دار و دسته ها پرداخته است. در مقابله با این پیشروی و مرزبندی انقلابیون، دولت لیبسی - نظامی سوریه تفرقه های برای زدن انگ مذهبی به اعتراضات و فراهم آوردن زمینه های سرکوب آغاز کرد، که موفق نشد. از سه هفته پیش بخش های بیشتری از دانشجویان و زنان و کارگران به صف اعتراضات پیوسته اند. برای اولین بار در روزهای اخیر در دمشق پایتخت سوریه نیز چندین تظاهرات بزرگ برگزار گردیده است. هفته گذشته تظاهرات دانشجویان بسیار برجسته بود. در جریان این اعتراضات در نزدیکی دانشگاهی در شهر حلب، دانشجویان با نیروهای امنیتی به مقابله برخاسته و موفق شدند آنها را عقب برانند. همچنین روترز به نقل از فعالان می گوید امروز چهارشنبه چندین هزار دانشجو در شهر درعا در شمال این کشور تجمع کردند. در شهر بانیاس پلیس وحشیانه به تظاهر کنندگان حمله کرده و دهها نفر را به قتل رسانده است. این جنایت بر خشم مردم افزوده و با شدت یافتن تظاهرات و اعتراضات در این شهر، رژیم مجبور شده نیروهای نظامی اش را از شهر خارج کرده و رئیس پلیس

در سوریه انقلاب هر روز قدرتمند تر میشود!



محمد شکوهی

پیش از دو ماه از آغاز اعتراضات مردم بر علیه رژیم سوریه می گذرد. در طول این مدت و در جریان سرکوب های وحشیانه رژیم بیش از ۲۰۰ نفر کشته، صدها نفر زخمی و هزاران نفر دستگیر و ناپدید شده اند. با به پای ادامه اعتراضات و رادیکال تر شدن آن بویژه طرح شعار "ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم"، حکومت پلیسی نظامی این کشور وحشیانه ترین و گسترده ترین سرکوب ها را در دستور گذاشته است. برقراری حکومت نظامی، حمله به خانه های فعالین جنبش های اعتراضی، شکنجه دستگیرشدگان و آدم ربایی، ارکان اصلی سیاست های دولت سوریه در تشدید سرکوب انقلاب مردم بوده است. تمام اقدامات دولت مبنی بر سرکوب و به خانه راندن مردم در عمل با شکست مواجه شده است. رژیم سوریه برای سرکوب انقلاب مردم حتی پاسداران و بسیجی های جمهوری اسلامی را وارد میدان کرده است. اما جنبش انقلابی مردم سوریه در چه وضعیتی است؟ اعتراضاتی که دو ماه پیش بطور پراکنده شروع شد، در

عرض دو هفته تبدیل به یک اعتراض سراسری و گسترده بر علیه رژیم به شد. مرکز اصلی اعتراضات مردم شهر های درعا، بانیاس، حمص، حلب و دمشق بود. در طول یک ماه گذشته میلیونها نفر و تقریباً هر روز بر علیه رژیم به خیابانها آمده و خواهان لغو وضعیت اضطراری که بیش از نیم قرن است در این کشور برقرار شده، میباشند و خواست آزادی زندانیان سیاسی و بر کناری بشار اسد از قدرت را مورد پافشاری قرار میدهند. خواستهای محوری که تقریباً تمام نیروهای انقلابی بر سر آن توافق دارند. در برابر این جنبش قدرتمند و وسیع اعتراضی حکومت ناچار شد یک عقب نشینی را عجلتاً بپذیرد و وضعیت اضطراری را لغو نماید و جایجایی هایی در دولت انجام دهد تا شاید اعتراضات فروکش کند. اما مردم مصمم تر از قبل به اعتراضات و تظاهرات ادامه میدهند. با گذشت زمان اعتراضات و خواستهای مردم بشدت رادیکال تر شده و مرزبندی با جریان های اسلامی در حال شکل گرفتن می باشد. تلاش نیروهای چپ برای دخالتگری در این اعتراضات جنبه های امیدوار کننده تری به انقلاب مردم داده است. "درعا" و "حمص" که مراکز اصلی اعتراضات بوده اند از شهرهایی هستند که جریان های رادیکال دانشجویی و بخش کارگری در راس اعتراضات مردم قرار دارند. در این شهرها بود که حدود یک ماه پیش هزاران نفر بر علیه

مینا احمدی تازه از فرانکفورت و از تظاهرات و میتینگ بزرگی علیه اسلامی ها بازگشته بود و ما با او تماس گرفتیم و خواستیم که برای انترناسیونال در مورد این میتینگ بنویسد. گزارش زیر از مینا برای انترناسیونال ارسال شده است.

گزارشی از یک جدال با جریان های اسلامی در فرانکفورت

خیابانهای اطراف محل تظاهرات پر بود از مردمی که کنجکاو بودند و ما را دنبال میکردند. زنان محجبه و پسران جوان ریشو با لباسهای سفید و بلند بسوی تظاهرات اسلامیها روان بودند. خبرنگاران بسیاری در محل بودند و به تدریج با نزدیک شدن ساعت شش، سخنرانها آغاز شد.

وقتی میتینگ ما شروع شد، چندین بار اسلامیها به شیوه معمول خود قصد اخلاص داشته و به حرفهای سخنرانان با صدای بلند اعتراض میکردند. قیافه های برآشفته و بی

به نفع اسلامیها رای داد و گفت میتوانند تظاهرات کنند. در یکطرف اسلامیها بودند، از قبل گفته شده بود زن و مرد باید جدا باشند، زنان بهتر است محجبه بپایند. در مقابله با اسلامیها کمیته علیه اعدام و سنگسار سازمان اکس مسلم هم فراخوان میتینگ داده بود. صدها نفر این فراخوان ما دفاع کردند. از جمله سازمان آنتی فاشیستها در فرانکفورت، سازمان علویها در آلمان و هومانیتسهای جوان و... از ساعت چهار بعد از ظهر

فرانکفورت آلمان، روز چهارشنبه ۲۰ آوریل شاهد رو در رویی دو جنبش متضاد بود. جریان های اسلامی و طرفداران آپارتاید جنسیتی و حجاب و قوانین شرعی در آلمان در یکطرف، و مخالفین دخالت مذهب در دولت و مخالفین سنگسار و اعدام و جنایات جریان های اسلامی در طرف دیگر. ساعت شش بعد از ظهر روز چهارشنبه قرار بود تظاهراتها شروع شود. تا دو ساعت قبل از شروع میتینگ ها معلوم نبود که اسلامیها به رهبری پیر فولگ اجازه میتینگ دارند یا نه. بالاخره دادگاه شهر کاسل



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهربادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

صفحه ۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!